

پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی

□ مجسمه سازی و سمبل‌های انسانی

□ تحقیقی بر پیکره‌های
سنگ قبرهای آذربایجان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ جعفر نجیبی

فهرست عناوین



۱- پیشگفتار

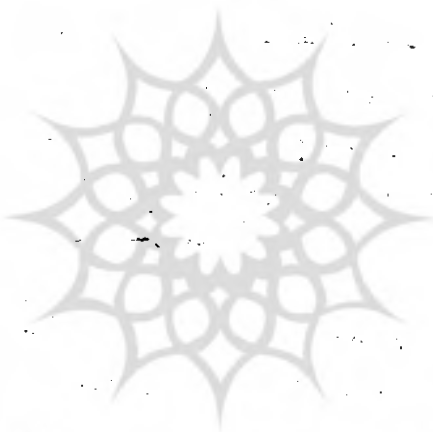
۲- مقدمه

۳- فصل اول

۴- فصل دوم

۵- نتیجه

۶- منابع و مأخذ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیشگفتار:

مطالعه و تحقیقی با وقت کم و کوششی محدود، حاصلی پربار در بر نخواهد داشت. با این همه «مجسمه سازی و سمبل های انسان» عنوان مطلبی شد که در این پایان نامه تقدیم دارم. چیزی که مرا ملزم و علاقمند ساخت تا درباره هنر مجسمه سازی و چگونگی آن رساله پایانه نامه ام را بنویسم، شاید غیر از مطالب و یادداشتهای خودم، تحقیق و بررسیهای باستان شناسان نیز در این خصوص بی تاثیر نبوده است. از طرفی دیگر، «مجسمه سازی، هنر بکر و بدیعی که در گورستانهای قدیمی آذربایجان موجود است، انگیزه نوشتن چنین مطلبی را موجب شد.

مشاهده چنین گنجینه‌های عظیمی که در گورستانهای آذربایجان با همه سکوت و خاموشی، راستای خویش را در دل قرن‌ها به رخ می‌کشند، نظر مرا جلب کردند و بالاخره با دوربینی به دست و کوله‌ای به پشت، راه روستاهای دور و نزدیک آذربایجان را به پیش گرفتم، و با شوقی وافرو علاقه‌ای افزون به گردآوری مطالب و مدارک مشغول شدم. با امید اینکه این کار، سکوت دراز مدت محققین و باستان‌شناسان ذیصلاح خودی و خارجی را در این مورد بشکند و انگیزه تحقیقات دقیق و عمیقی را فراهم سازد. به هر صورت، دنباله این تحقیقات ادامه خواهد یافت، و انشاءالله. با کاوشهای جدید، فرم انتزاعی و هندسی این مجسمه‌ها و انگیزه خلق این آثار که بوسیله هنرمندانی گمنام و بومی انجام شده است به بحث گذارده خواهد شد.

تجربیات هنری من در زمینه پیکره‌سازی است، و در این رشته هنری است که توانسته‌ام تخصص کسب نمایم. به همین علت، و عدم امکانات کافی نتوانسته‌ام در خلال تحصیلات دانشگاهی،

مطالعات گسترده‌ای در زمینه فوق داشته باشم. با مشاهده و توجه بیشتر به چنین پیکره‌هایی که در اطراف زادگاهم بر زمین نقش بسته‌اند، و تا بحال به آنها توجهی نداشتم، مرا وادار کرد تا در بازه آنها مطالبی را بنویسم. البته مشکلات زیادی برایم مطرح بود. یکی از مشکلات محدود بودن زمان و عدم فرصت کافی برای پایان نامه‌ام بوده است. مشکل دیگر دور بودن محل این آثار بود و بازدید از بعضی مکانها با صرف ساعتها پیاده روی عمل گردید.

مشکل سوم میسر نبودن امکانات کافی جهت تهیه فیلم و چاپ عکسها بود، در صورتیکه امکانات بهتری برایم فراهم میبود، مدارک تصویری بهتری را میتوانستیم ارائه دهیم. افرادی که مرا در این زمینه یاری کردند، یکی از استادان راهنمایم آقای حلیمی بود که در زمینه روش جمع‌آوری مطالب و تنظیم آنها با من یاری کردند و دیگر دوستان بسیار عزیزم آقایان اسفندیار سربخش و مصطفی سعیدی و علیرضا ذبحق و اسفندیار شریف‌زاده و برادرم حمید نجیبی و نیز اهالی روستاهای ولدیان، مارکان، قره شعبان، سعیدآباد، کردنشین و بیزنده که در زمینه شناساندن محلها و یافتن آنها با من همراهی نمودند، از آنها تشکر مینمایم.

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

۱- سمبول چیست: سمبل‌ها برخاسته از نیازهای درونی انسانها هستند، زیرا که انسان در برابر اتفاقات و ناراحتی‌ها و مظلومیتها و زورگوئیه‌ها و گرفتاریها و حتی مریض‌ها، به این سمبول‌ها روی می‌آورند. نقش سمبولها در زندگی انسان، از ایام قدیم تا بحال، نسل به نسل مورد توجه بوده و حتی اکنون نیز مورد توجه است. مثلاً یک درخت را مقدس می‌دانند و به آن پارچه می‌بندند یا در بعضی از نقاط کشورمان امام‌زاده‌هایی وجود دارد که مردم در برابر گرفتاری‌ها به آنها روی می‌آورند بعضی از این مکان‌های مقدس به «اجاق» معروف هستند که در اکثر نقاط کشورمان دیده می‌شوند.

انگیزه‌های مردم از این نوع مکان‌های مقدس چیست؟ آنها معتقدند که در آنجا معجزه‌ای رخ داده است و برایشان مقدس شده است. ریشه‌های این نوع سمبولها در مذاهب مختلف از جمله در دین اسلام وجود دارد، و مسلم است که انسان از یک درخت و از یک مقبره یا از یک پیکره سنگی مراد نمی‌گیرد، بلکه با پاک نگاه داشتن روح خود و تلقین‌های خویش، به ظواهر فریبنده جامعه توجه ننموده و سعی میکند تا بدرون خود رجوع کند، و آنچه‌ی را که از آن جای مقدس می‌طلبید بدست آورد.

یونگ می‌گوید «تاریخ سمبولیسم نشان می‌دهد که هر چیزی می‌تواند اهمیت سمبولیک پیدا کند. اشیاء طبیعی مانند سنگها، گیاهها، حیوانات، کوهها، و دره‌ها، خورشید، ماه، آب، آتش، یا چیزهائی ساخت انسان مانند خانه‌ها، قایقها یا اتومبیلها یا حتی اشکال مجرد مانند اعداد، مثلث، مربع و دایره در حقیقت جهان یک سمبول بالقوه است. انسان با تمایلی که به سمبولسازی

دارد، اشیاء و اشکال را به سمبولها تبدیل می‌کند. (و به این وسیله اهمیت روانشناسی بسزائی به آنها می‌دهد) و آنها را هم در مذهب و هم در هنر بصری خود بیان می‌کند. تاریخ همبسته مذهب و هنر، که به ادوار ما قبل تاریخ می‌رسد. سابقه‌ای است که انگیزه اجداد ما از سمبولهایی به جا گذاشته‌اند که برای آنها معنی دار و هیجان‌انگیز بوده است، حتی امروز هم بطوری که نقاشی و مجسمه‌سازی نشان می‌دهد رابطه متقابل مذهب و هنر هنوز وجود دارد.^۱

یونگ در این باره می‌نویسد «... ما می‌دانیم که حتی سنگهای طبیعی دارای یک معنی بسیار سمبولیک برای جوامع قدیمی ابتدائی بوده‌اند. سنگهای خشن و طبیعی غالباً به منزله جایگاه ارواح یا خدایان شناخته می‌شدند و در این فرهنگ‌های ابتدائی از سنگ قبر سنگ مرز یا اشیاء گرامی مذهبی ساخته می‌شد استعمال آنها را می‌توان مشابه به شکل ابتدائی هنر مجسمه‌سازی دانست.^۲

۲- سنگ قبرها- پس متوجه می‌شویم که انسان اولیه از دوره‌های غارنشینی با سنگ سرو کار داشته و اکثراً ابزار جنگی خود را از سنگ می‌ساختند. و حتی اکنون هم در بعضی از قبیله‌های سرخپوست و یا سیاه پوست وسایل زندگی خود را از سنگ درست می‌کنند. اما چرا سنگ را روی قبرها می‌گذارند. این خود احتیاج به تحقیق دارد. رابطه انسان با سنگ قبر یک رابطه مقدس است. در مذاهب مختلف قرار دادن سنگ در روی قبرها مراسم بخصوصی دارد. یونگ در مورد گذاردن سنگ روی قبرها اضافه میکند: «ژرمنهای قدیم معتقد بودند که ارواح مردگان در سنگهای قبرشان به زندگی ادامه می‌دهند.

رسم سنگ روی قبر گذاشتن ممکن است تا حدی از این فکر سمبولیک برخاسته باشد که شیخ مرده یک چیز جاودانی به جای می‌ماند، که می‌تواند بنظر بسیار مناسبی با سنگ نموده شود. زیرا اگر چه به تشریفات بارزی با سنگ دارد، با این حال درونی‌ترین مراکز انسان به طرزی عجیب و خاص به آن نزدیک است. شاید به این جهت سنگ نماینده هستی در عاری‌ترین شکل آن از عواطف، احساسات، تخیلات و افکار انحرافی «من» خود آگاه است. در این معنی سنگ، سمبول آن چیزی است که شاید ساده‌ترین و عمیق‌ترین تجربه‌ها است. تجربه یک چیز جاودانی که انسان می‌تواند در لحظاتی خود را جاودان و تغییر ناپذیر احساس می‌کند. داشته باشد میل مفروطی که ما در تمام تمدنها برای برپاداشتن تندیسها و بناهای یادگاری به افتخار اشخاص بزرگ یا در محل وقایع مهم ملاحظه می‌کنیم نیز شاید از این معنی سمبولیک سنگ؟ سرچشمه می‌گیرد. سنگی که یعقوب نبی در محلی که ویای مشهور خود را دیده بود قرار داد، یا بعضی سنگهایی که

۱- یونگ- کارل گوستاو، «انسان و سمبولهایش»، ترجمه: ابوطالب صارمی، انتشارات پایا، تهران ۱۳۵۲

۲- کار گوستاو یونگ «انسان و سمبولهایش»، ترجمه: ابوطالب صارمی، صفحه ۳۶۵ انتشارات پایا، ۱۳۵۲

• جملاتی که از ترجمه کتاب انسان و سمبولهایش انتخاب شده، بدون دخل و تصرف نقل گردیده است و نواقصی که از لحاظ گرامری موجود است مربوط به گزرد آوردن نیست.

بدست مردم ساده روی قبرهای قدیمان یا قهرمانان محلی گذاشته شده است، ماهیت اصیلی میل مفرط انسان را برای ابراز تجربه خویش یا سمبول سنگ نشان می دهد. تجربه ای که شاید به طریق دیگر وصف ناپذیر می بود. شگفت نیست که در بسیاری از مذاهب، سنگ نشانه خدا یا علامت محل عبادت است.» (۱)

مقدس ترین معبد جهان اسلام خانه کعبه است که حجرالاسود در آن قرار دارد و تمام مسلمانان مومن آرزوی زیارت آن را در دل می پروراند. حجرالاسود یک سنگ سیاه رنگ بیضی شکل است که قطر آن هفت اینچ است و با اعتقاد خیلی ها از آسمان آمده و شاید سنگ شهابی بوده است. خیلی ها می گویند که این سنگ از روزگار ابراهیم است. یعنی اسماعیل و فرزندان وی که بنی اسرائیل آنها را طرد کردند و پدران قبیله قریش از آنها بودند. و بتائید این گفتار آیه ۲۲ (۲۳ مرموز ۱۱۸ را که گوید) سنگی که بنایان نپسندیدند سراو به شد» (۱).

برونوفسکی می نویسد «معابد بزرگ معماری هر تمدنی وحدت فرد و نسل انسانی را ارائه می دهد. چینی ها این عمل را ستایش اجداد می نامند لیکن این تعریف تا اندازه ای ناقص است. در حقیقت یک بنای یاد بود از مردگان و بازماندگان سخن میگوید و بدین ترتیب یک پیوستگی در زمان ایجاد می کند. که یکی از عوامل اصلی برداشت انسان از زندگی است. زندگی انسان دارای امتداد و استقراریست که از حدود فردی پا فراتر میگذارد و در جسم و روح او روان و گذران است: مردیکه با اسب خود بخاک سپرده میشود تا در کشتی خود در (سوتان هو) مورد ستایش قرار می گیرد.

در مجسمه های سنگی ادوار بعدی نشان دهنده اعتقادی راسخ به وجود ذاتی بنام انسان است که هر کدام از ما چه در زندگی و چه در مرگ نماینده آن هستیم» (۱) در خاتمه به تعریف هنر سمبولیک می پردازیم البته هنر را به عنوان های مختلف تعریف کرده اند. اما هنر سمبولیک با بررسیهای ارزش انسانی وسیله ای است در راه رسیدن به اهداف نیک و نیازی است که انسان بدان روی می آورد و انگیزه های درونی خود را بیان می کند. و از عقیده خود در راه رسیده به بیان یک اثر هنری کمک می گیرد. لذا نقش هنر سمبولیک و ارزش آن را نباید امری بیهوده تلقی کرد و به سادگی از آن گذشت.

۱- یونگ- کارل گوستاو، «انسان و سمبولهایش» ترجمه: ابوطالب صارمی، انتشارات پایا، تهران ۱۳۵۲

تاریخ تمدن. نوشته و یل دورانت، جلوا! بخش دوم. تمدن اسلامی، فصل هشتم صفحه ۱۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده

(۱) ژ- برونوفسکی، «هروج انسان»، ترجمه: دکتر سیاوش مشفق، فصل سوم، رگه هایی در داخل سنگ،

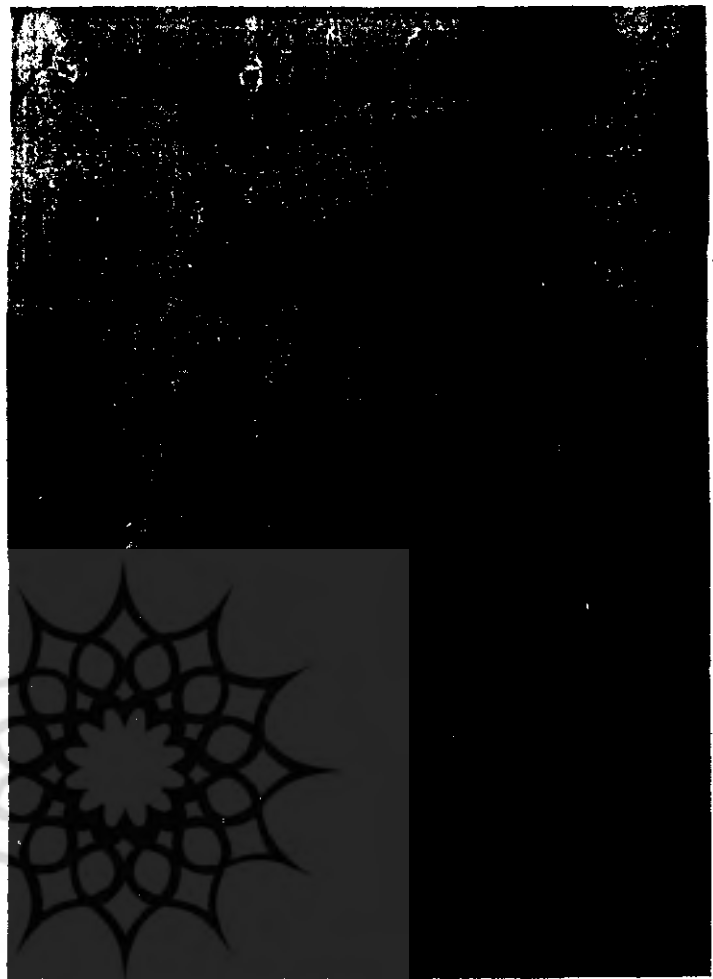
صفحه ۱۲۷-۱۲۸، انتشار کانس، تهران ۱۳۵۹



(شیر سنگی که روی قبرهای جوانان با شهامت کار گذاشته شد است)



اجاق قره شعبان و بیکره‌های شیرو قوچ



سنگ طبیعی در اطراف روستای ولدیان - نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



بیکره شیرسنگی از قبرستان روستای قره شعبان

فصلنامه علمی ۹۹/

فصل اول:

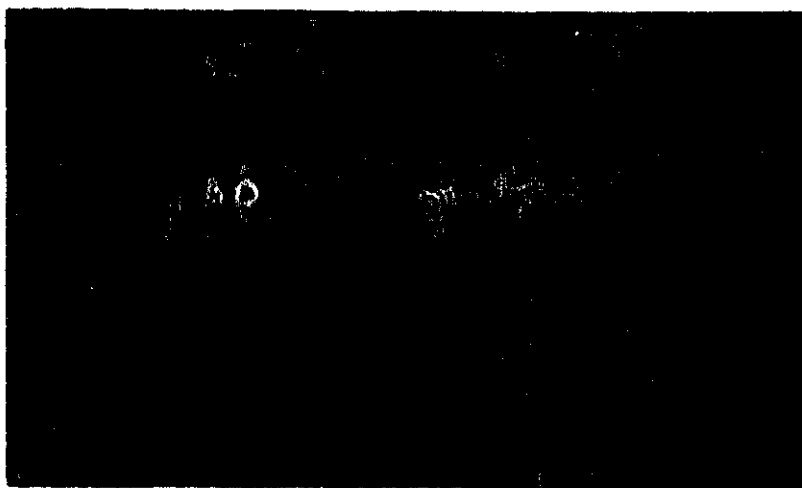
نقش سمبولهای سنگ قبرها (قوچ و شیر)

چنانکه گفتیم سنگ قبرها دارای ارزش سمبولیک هستند. اما چرا روی بعضی از قبرها پیکره سنگی حیواناتی چون شیر و قوچ می گذارند، از جمله پیکره های قوچ و شیر که مطابق رسومات مردم آذربایجان در زمان های بسیار قدیم روی قبرها قرار داده اند اکثر این قبرها متعلق به قهرمانان جوانانی هستند که در جنگ با شهامت و شجاعت مبارزه کرده اند و شهید شده اند. لقب دادن قوچ، برای قهرمانان شان هنوز هم نزد مردم آذربایجان رایج است. قدیمترین این پیکره ها که تاریخ آنها معلوم نیست مربوط به قبل از اسلام می شود. اما جدیدترین آنها که تاریخ یا نوشته ای روی آنها حک شده، حدود ۲۵۰ یا ۳۰۰ سال قبل شناخته شده اند. نسلهای قدیم آذربایجان رسومات بخصوصی داشتند. یکی به مبارزه کشاندن قوچهای دو گله بود و دیگری قوچهایی که با شاخ های پر پیچ و خم همیشه در اول گله های گوسفند برای رهبری گله می گذاردند، قوچ را یک سمبل مبارزه می دانستند. یکی از قهرمانان آذربایجان بنام کوراوغلی مشهور است که داستانهای بسیار و فیلمهای متفاوتی درباره این قهرمان ساخته شد و لقب قوچ کوراوغلی به او داده اند. قهرمان دیگری بنام قوچ نی که یکی از قهرمانان روستائی بود و بر علیه فئودالها مبارزه می کرد، و مردم ترانه ها و شجاعت های خود را از او الهام می گیرند.

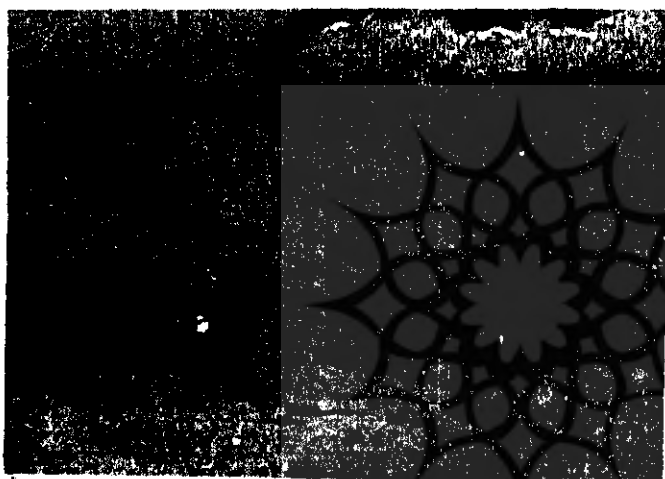
بعد از اسلام اسامی عربی نیز در ایران رواج یافت و اسمهایی که بعد از اسلام در روستاهای آذربایجان رواج داشت و لقب قوچ یا شیر به آنها می دادند مثل قوچلی، شیرعلی

است. تیمورقوچی، یاحسین قوچی بود. این پیکرها برای مردم آذربایجان و برای بعضی از مردم فارس مثل ایل قشقائی و بختیاری سمبل قدرت شهادت، مقاومت و رشادت بوده است.

در همان زمان که از منطقه ای از آذربایجان بازدید میکردم از یکی از اهالی روستای ولدیان که در ۳۵ کیلومتری شهرستان خوی از آذربایجان غربی بود سوال کردم این پیکرها چرا برای شما مقدس است؟، در جواب گفت: در نسل قدیم این روستا رسم بود که وقتی فرزندان به امراض سیاه سرفه یا سرخک مبتلا می شدند آنها را از وسط پای این پیکرها عبور می دادند و شفا می گرفتند، یا مردم روستای مارکان که در ۳۷ کیلومتری خوی و ما کو قرارداد معتقد بودند که شکارچیان وقتی بشکار می رفتند تفنگ های خود را از وسط پای این پیکرها عبور می دادند. و نیز اعتقاد داشتند که وقتی فرزندی بدنیا می آید، باید حتماً او را از وسط پای این پیکرها عبور می دادند. با این نیت که فرزندان شجاع و رشید و مبارزه بار آید. یکی دیگر از این روستائیان تعریف می کرد که مهندسی در این روستا کار می کرد، وقتی این قوچهای سنگی را دید خواست یکی از آنها را که نسبت به بقیه سبک تر بود به خانه اش ببرد، اما موقع حمل این قوچ سنگی، خبر مرگ فرزندش را آوردند، و او این قوچ سنگی را در تپه سومی این روستا رها کرد و رفت، او اعتقاد داشت که این پیکره سنگی مقدس است، و وقتی این مهندس می خواست این قوچ سنگی را از روی قبر به خانه اش ببرد روح آن قهرمان ناراحت گشته و باعث چنین حادثه ای شده است. این پیکرها برای بعضی از روستائیان مقدس بوده، و اعتقاداتی که به این سمبول قدرت و مبارزه دارند، مراد خود را در گرفتاری ها و امراض بچه هایشان و ببار آوردن فرزندان رشید و شجاع می گیرند دکتر ریچارد اتینگهاوزن در باره سنگ قبرهای شیر می نویسد «برای پدید آمدن سنت کار گذاشتن شیر سنگی روی قبر باید به گذشته های بسیار دورتر و سنن قبل از اسلام رفت، زیرا با توجه به قیودات مذهبی اسلام در مورد شبیه سازی و مجسمه سازی چنین پدیده ای نمی تواند اسلامی باشد. بخصوص آن که روی مقبره مسلمانان کار گذاشته شود. شیرهای سنگی را روی قبر جوانانی که با شهادت و شجاعت کشته می شدند، کار می گذاشتند. کار گذاشتن شیرهای سنگی روی قبور باید یکی از رسوم کهن و تاریخی باشد، چه در گذشته در بسیاری از نقاط ایران بخصوص در نزد ایلات بختیاری و لر و مردم آذربایجان رواج داشته است. با این که این اواخر مقداری از شیرها روبه نابودی رفته است هنوز در برخی از قبرستان های فارس شیرهای سنگی به چشم می خورد. تاریخ ساخت شیرهای فوق به زمان صفویه می رسد. شیرهای سنگی تماماً ایستاده و مقررانه بجلو نگاه می کنند. دم شیرها اکثراً روی پشت آنها برگشته است، و در دهان بازشان دندانهایشان دیده می شود. روی کمر و بالای ران بسیاری از شیرها نوشته و گاهی برخی از ابزار جنگی یا ستاره ای حک شده است»^۱



(نمونه‌ای از قوچهای اهلی آذربایجان که سمبول مبارزه و شهامت است)



(بیکره قوچ سنگی از روستای مارکان)



تصویر از قبرستان روستای قره شعبان

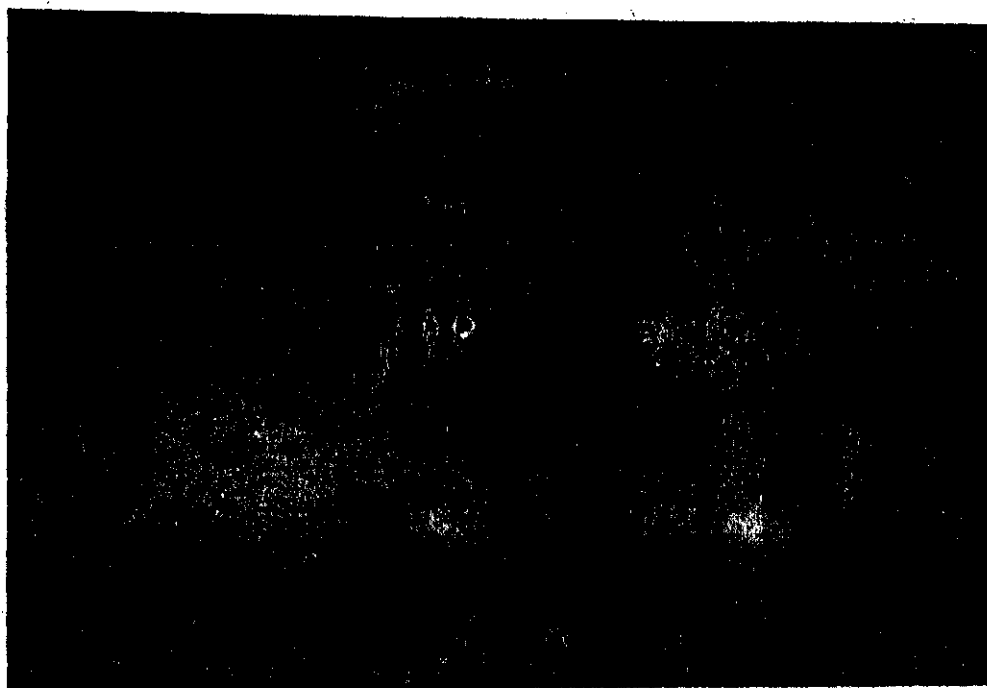
شیرها و قوچهای روستای قره شعبان

روستای قره شعبان در ۸ کیلومتری شهرستان خوی واقع است و قبرستانی در تپه های نزدیک این روستا وجود دارد که پیکره های عظیمی از قوچ و شیر در روی بعضی از قبرها قرار دارد. وقتی با همراهانم به این قبرستان رسیدیم با یک فضای بزرگ، در دامنه کوه برخورد کردیم. بالای تپه اجاقی که معروف به اجاق قره شعبان است دیده می شد، پیکره های عظیم الجثه و متعددی را مشاهده کردیم که اکثراً بر روی زمین افتاده بودند. یکی از این پیکره ها را توانستیم شش نفری از جای بلند کنیم و بقیه خیلی بزرگ بودند که حتی از نظر وزن به $1/5$ تن می رسیدند. این پیکره ها از نظر حجاری و تاریخ تراشیدن متفاوتند. حکاکی بعضی از آنها در اثر باد و باران از بین رفته بود و تاریخ آن خوانده نمی شد. اما حدس زده می شود که قدیمی ترین آنها متعلق به زمان صفویه می باشد. در این قبرستان حدود ۱۵ عدد پیکره وجود دارد که حدود ۳ یا ۴ تای آن شکسته و بر روی آنها حکاکی هایی از ابزار جنگی یا نوشته ای حک شده است. فرم کلی این پیکره های عظیم را از روی زمین بلند کردیم و همانطور که در عکس می بینیم جای آن را روی زمین تقریباً مطابق فرم کلی مجسمه ایستاده مشاهده می کنیم. اما نحوه کار آنها و جثه آنها با یکدیگر متفاوتند چیزی که در اکثر مجسمه ها مشترک است، برجستگی هائی است که در گردن این پیکره ها کنده کاری شده است و اهلی بودن این حیوان را نشان می دهد. این نقش در روی گردن نشان اهلی بودن آنست.

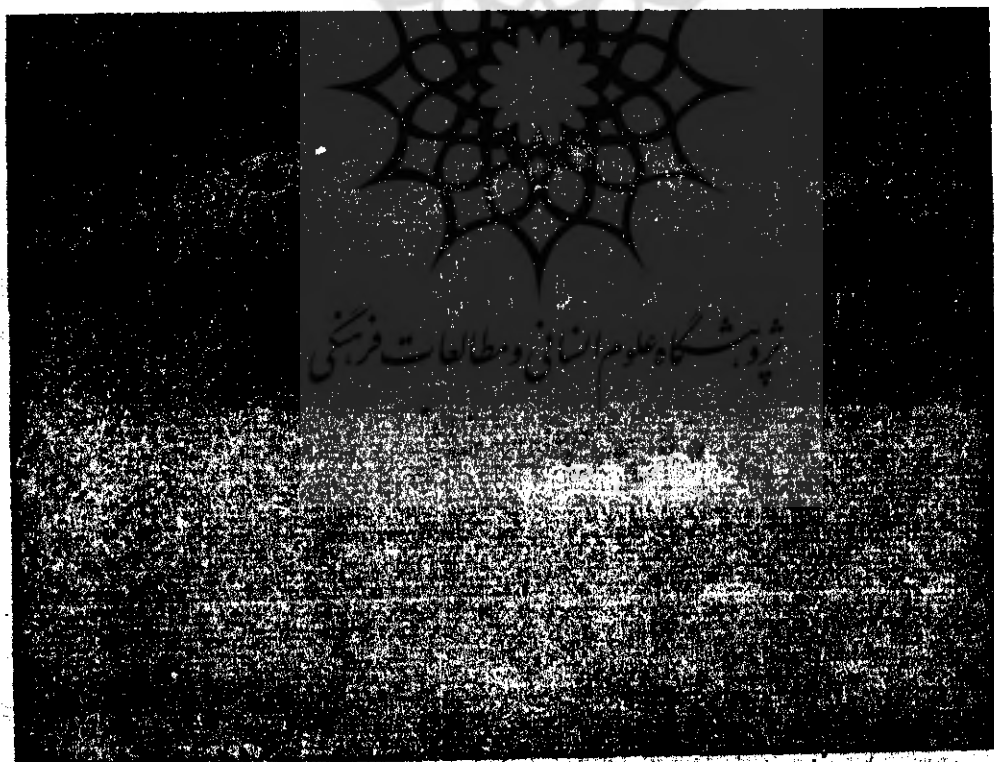
تصویر میشود این گردن بند اشاره ای به علائق ملی و میهنی آنها باشد، که به فرم گردن بند دیگر این پیکره ها حک شده است! یکی از این پیکره ها را که در عکس شماره ۳ مشاهده می کنید

از قدیمی ترین پیکره های این قبرستان است با جثه ای عظیم که حدود $1/80$ متر طول و ارتفاع آن حدود $1/30$ سانتیمتر است، در اثر باد و باران قسمتی از حکاکی های روی آن از بین رفته، تنها دم آن که به طرف داخل برگشته دیده می شود. جنس این پیکره از جنس سنگ آهک است و نیز دو برجستگی در گردن آن دیده می شود که آن سمبول بودن آن قهرمان است، یعنی متعلق به آب و خاک روستای خودشان است. در عکسهای شماره ۴ و ۵ پیکره سنگی دیگری را می بینیم که با فرم هندسی خاصی کار شده، در طرف راست این پیکره یک نوشته و نیز ابزار جنگی حک گردیده، و دم آن نیز از طرف راست ران به پشت برگشته و در طرف چپ، نقش یک شمشیر بزرگی حک شده است برجستگی گردنش نیز سمبول اهلی بودن آن است. اندازه این پیکره به ارتفاع $1/20$ سانتیمتر و طول $1/5$ سانتیمتر می رسد. پیکره این شیر سنگی دیگری را که پیشرفته تر از آن دوتای قبلی است در عکس شماره ۶ مشاهده می کنیم. این پیکره بخاطر عظیم الجثه بودن، مقداری از پاهایش در زمین فرو رفته، و ایستاده و سالم باقی مانده است. این پیکره جدیدتر از دوتای قبلی است.

صورت این پیکره را نیز شبیه صورت انسان با



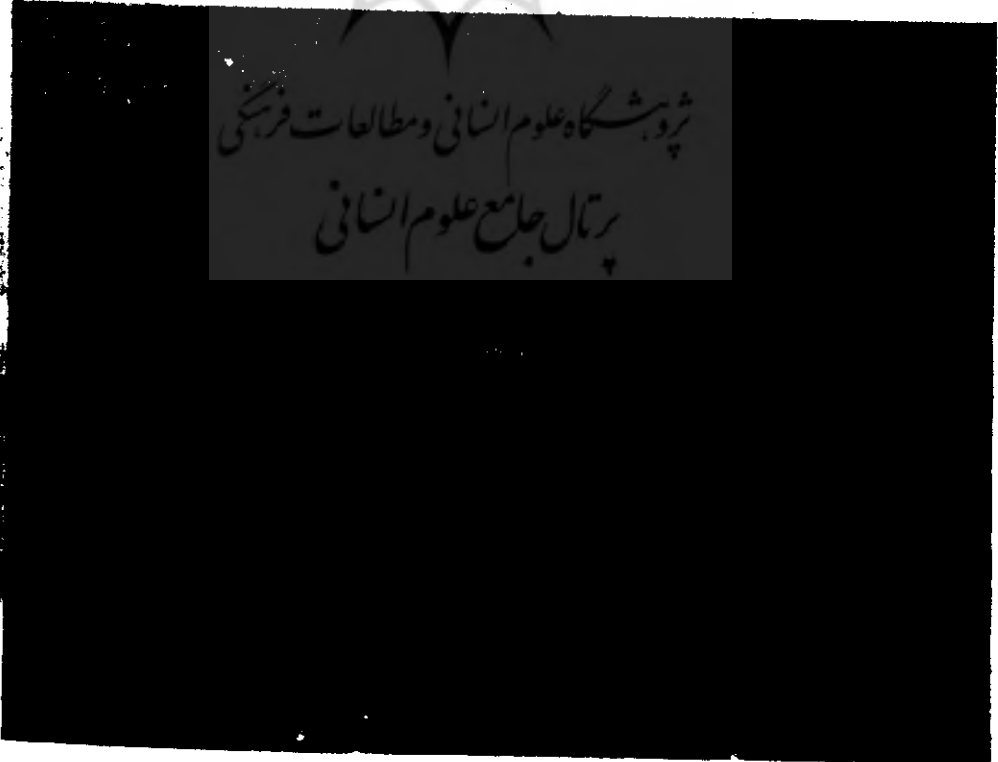
(شماره ۲ تصویر از قبرستان روستای قره شعبان)



(شماره ۳ بیکره شیرسنگی عظیم الجثه از روستای قره شعبان)

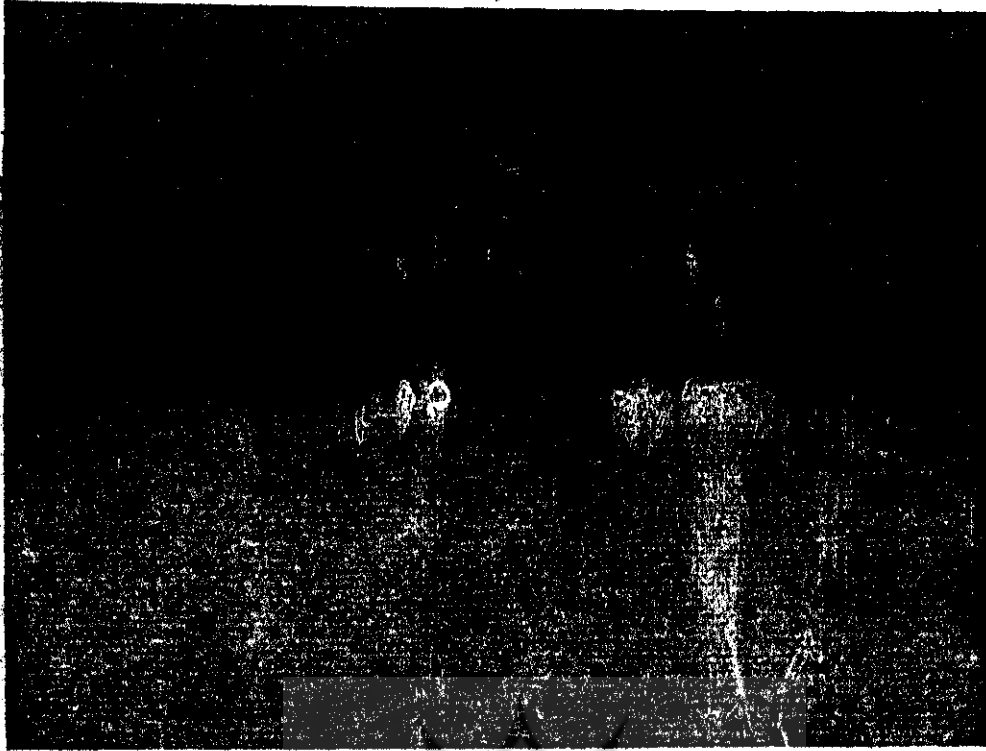


(بیکره شیر سنگی از روستای قره شعبان)

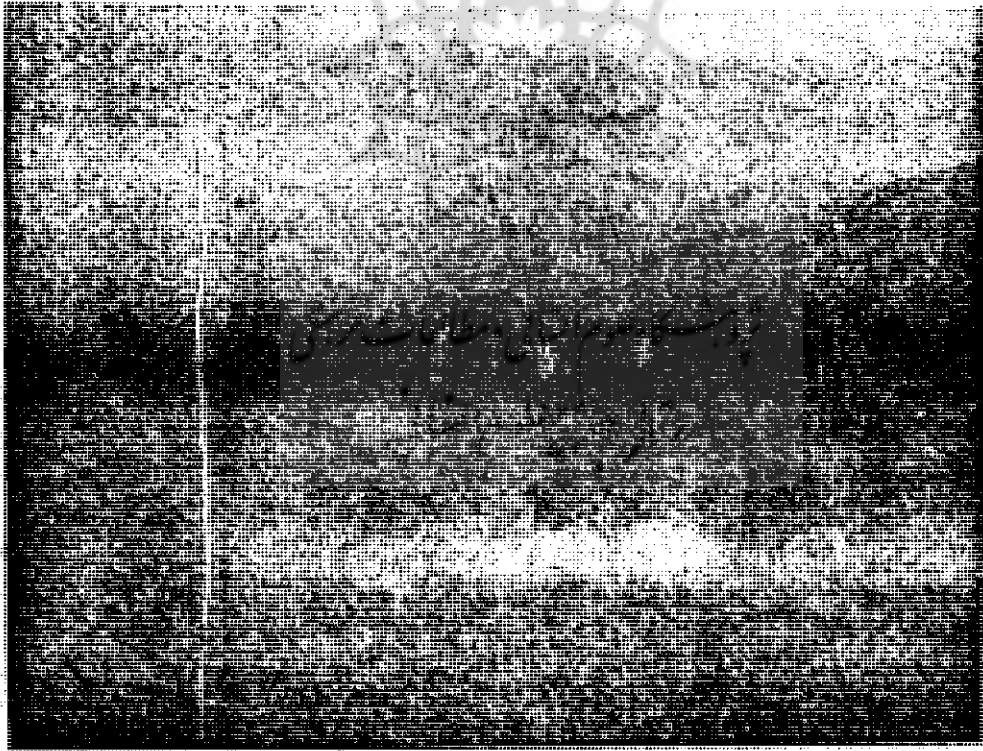


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(شماره ۱ تصویر از قبرستان روستای قره شعبان)



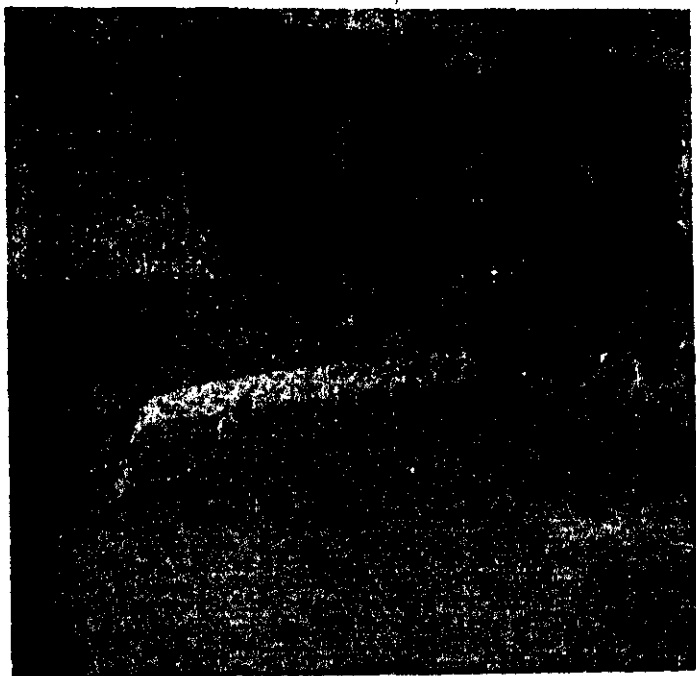
(شماره ۴ پیکره شیر سنگی از قبرستان روستای قره شعبان)



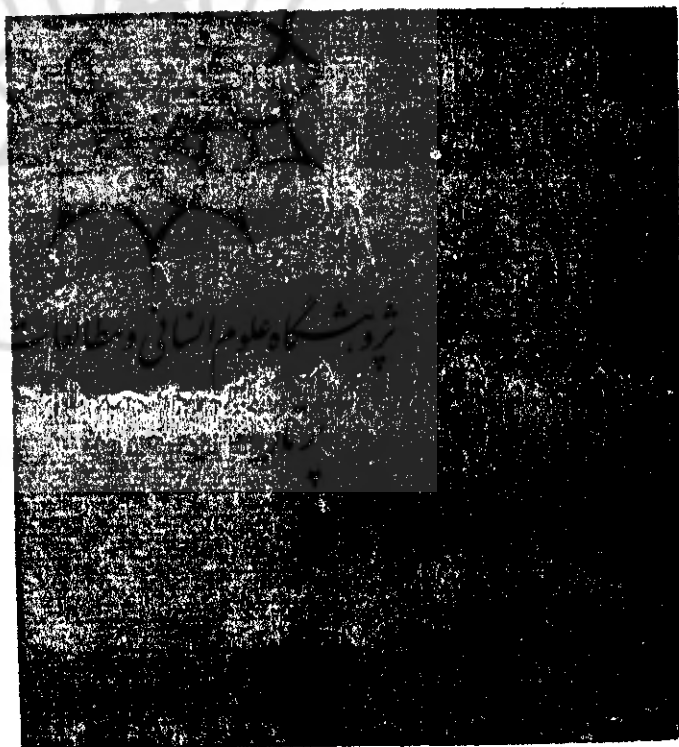
(شماره ۵ پیکره شیر سنگی از قبرستان روستای قره شعبان)

قیافه‌ای خشمگین تراشیده‌اند. ابروهایش به بالا رفته و در وسط چشم هاش گردش، سوراخی بجای مردمک دیده می‌شود. در این پیکره شیرمانند، بیان درونی هنرمند بومی را مشاهده می‌کنیم. دو برجستگی در بالای سر پیکره، گوشهای این حیوان را تشکیل می‌دهند. فرم این حیوان نیز مثل شیرهای قبلی به پشت برگشته و نفس یک دشنه بسیار بزرگ در طرف راست آن حک شده است. عکسهای شماره ۷ و ۸ و ۹، پیکره شیرهای سنگی هستند که تقریباً از سنگ آهک تراشیده شده‌اند و از نظر خصوصیات فرم نیز شبیه هم‌اند و احتمالاً در یک زمان تراشیده شده‌اند. پیکره شماره ۷ سالم تر مانده، ولی از نظر جثه، تقریباً هم اندازه‌اند از نظر وزن نیز هر کدام به یک تن می‌رسند. صورت این پیکره‌ها نیز شبیه انسان تراشیده شده‌اند که خصوصیات چهره آنها با پیکره قبلی متفاوت هستند. دهان آنها بصورت خطی بزرگتر حک شده است. چشم هایش به یک نقطه خیره شده است.

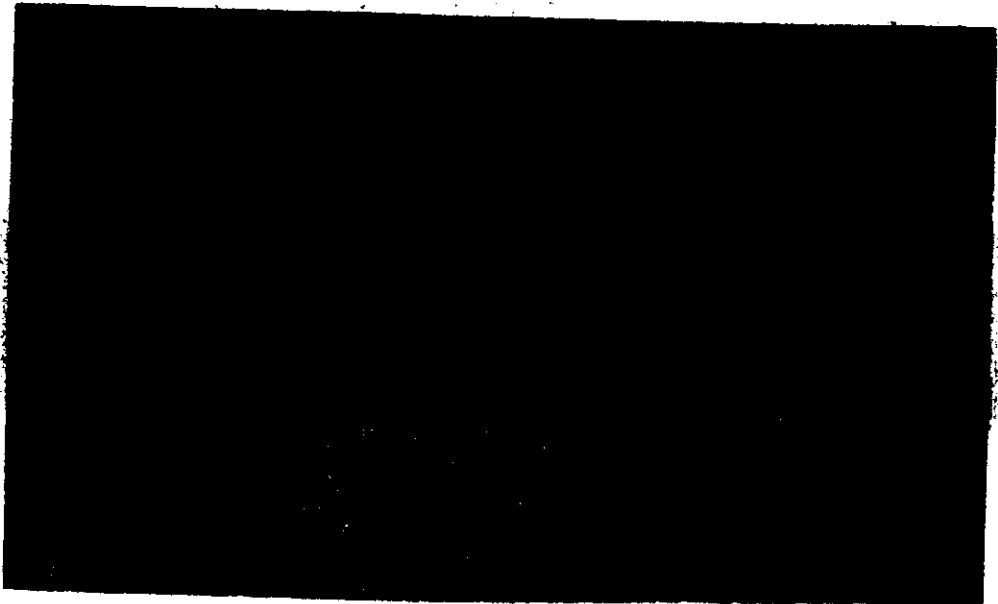
در عکس شماره ۸ فرم چهره این پیکره بصورت خیلی جالب و انتزاعی کار شده است. در بالای سر این پیکره گوشهای آن را می‌بینیم که در امتداد چشم هایش قرار گرفته و دهان آن نیز بزرگتر است. حالت چهره این پیکره قهرمانی شجاع و خوشرو را نشان می‌دهد. در شکل شماره ۹، چهره پیکره دیگری را مشاهده می‌کنید که قسمتی از نقوش چهره اش از بین رفته، فقط آثاری از چشمان و دهانش را مشاهده می‌کنید. در روی تنه طرف راست پیکره نقش جنجری را می‌بینیم (شکل ۸ و ۹) که وسیله مبارزه آن دوره را نشان می‌دهد و طبق معمول دم هر سه پیکره به داخل طرف راست آنها تراشیده شده است. پیکره‌های سنگی شیر که در عکسهای شماره ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ می‌بینیم تقریباً در یک زمان تراشیده شده‌اند. و متأسفانه ۲ تای آنها در اثر ضربه‌هایی شکسته شده‌اند. هر ۴ پیکره از سنگ آهک و بفرم هندسی ساخته شده‌اند. در روی تنه آنها ابزار جنگی از قبیل شمشیر حک شده، اما تاریخ یا نوشته‌ای در روی تنه آنها دیده نمی‌شود. فرم شیرها مثل شیرهای قبلی است. اندازه آنها نیز تقریباً به طول $1/30$ سانتیمتر و ارتفاع ۱ متر می‌رسد. همه پیکره‌ها افتاده و متأسفانه طرف دیگر آنها دیده نمی‌شود. و چون این پیکره‌ها از نظر وزن خیلی سنگین بودند امکان تکان دادن نبود. شاید طرف دیگر آن سالم مانده باشد. در گردن این پیکره‌های سنگی مثل شیرهای قبلی گردنبندی حک شده که سمبول اهلی بودن آنهاست و دم آنها به طرف چپ آنها برگشته، اشاره‌ای از چشم و صورت آنها دیده می‌شود که در اثر باد و باران از بین رفته است. در این قبرستان با چند پیکره قوچ نیز برخورد کردیم. از جمله قوچی را که در شماره ۱۴ که بسیار جالب و انتزاعی و با مهارت کار شده مشاهده می‌کنیم. در طرف راست این پیکره نقش برجسته‌هایی از دو حیوان درنده که شاید نقش شیر است دیده میشود. دم‌های این شیرها به بالا برگشته و دهان این حیوانها باز و حالت تهاجم به خود گرفته‌اند. فرم شاخهای این قوچ به فرم پیچک به دور صورتش برگشته، و بطور جالبی در بالای فرق سرش بهم چسبیده‌اند. قوچ دیگری که در عکس شماره ۱۵ مشاهده می‌کنیم متعلق به همین قبرستان است و از سنگ آهک ساخته شده است. این قوچ سنگی از قوچ قبلی کم کارتر است. حکاکی در روی تنه آن دیده نمی‌شود شاید هم حکاکی داشته و در اثر باد و باران از بین رفته است، و چون اکثر این پیکره‌ها افتاده‌اند، طرف



(شماره ۶ پیکره شیر سنگی از قبرستان روستای قره شعبان)



(شماره ۷، پیکره شیر سنگی از قبرستان روستای قره شعبان)



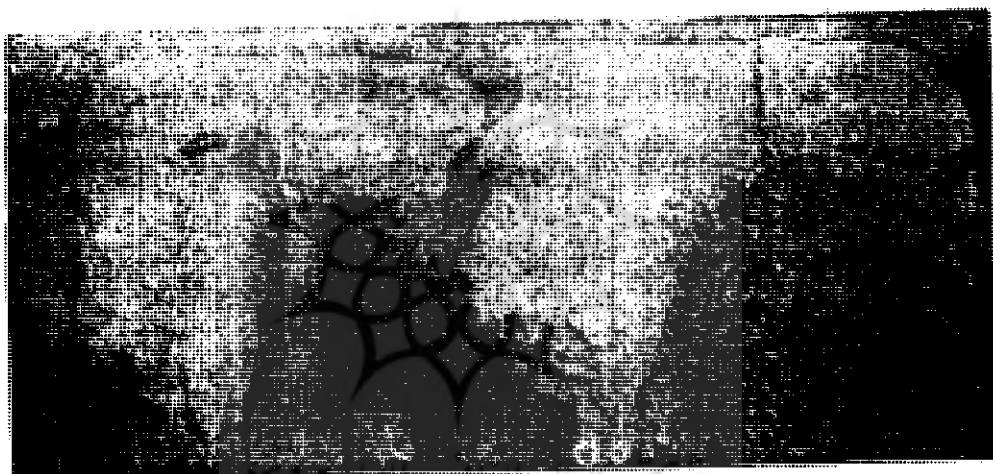
شماره ۸، بیکره شیر سنگی از قبرستان روستای قره شعبان



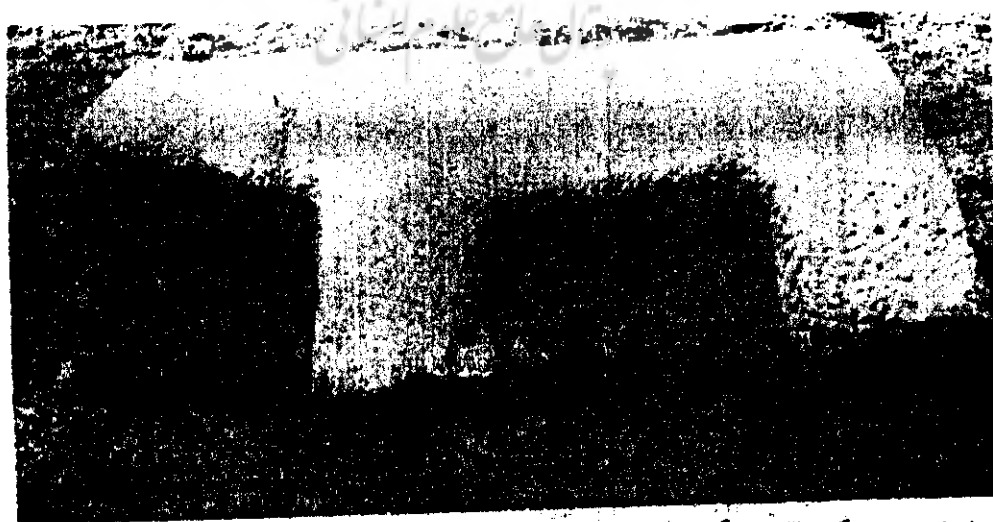
شماره ۹ بیکره سنگی از قبرستان روستای قره شعبان



(شماره ۱۰ پیکره شیرسنگی از قبرستان روستای قره شعبان)



(شماره ۱۱ شیرسنگی از روستای قره شعبان که شکسته شده است)



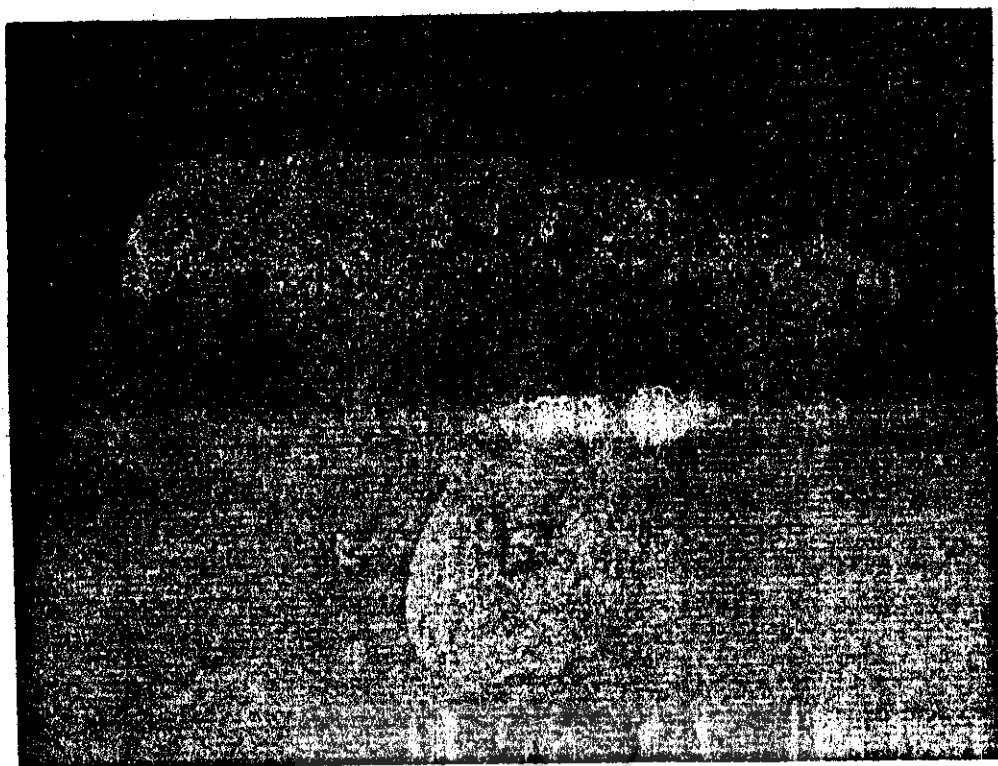
(شماره ۱۲ پیکره شیرسنگی از روستای قره شعبان)



(شماره ۱۳ پیکره شیر سنگی از روستای قره شعبان)



(شماره ۱۴ پیکره قوچ سنگی از روستای قره شعبان)



(شماره ۱۵ پیکره قوچ سنگی از روستای قره شعبان)



(شماره ۱۶ پیکره قوچ سنگی از روستای قره شعبان)

دیگر آنها دیده نمی شود. و شاید آنطرف سالم تر باشد یا نوشته و حکاکی هائی داشته باشند. سومین قوچ این قبرستان قوچ کوچکی است که در پائین دره افتاده است. و آنها در عکس شماره ۱۶ ملاحظه می کنیم. این قوچ بطور خیلی ساده کار شده و کوچک تر از قوچهای قبلی است. فرم شاخهای آن بشکل حلزونی به دور صورتش برگشته و حکاکی های تنه آن نیز از بین رفته است ارتفاع آن به ۸۵ سانتیمتر و طول آن به ۱ متر می رسد.

روستای بیزنده

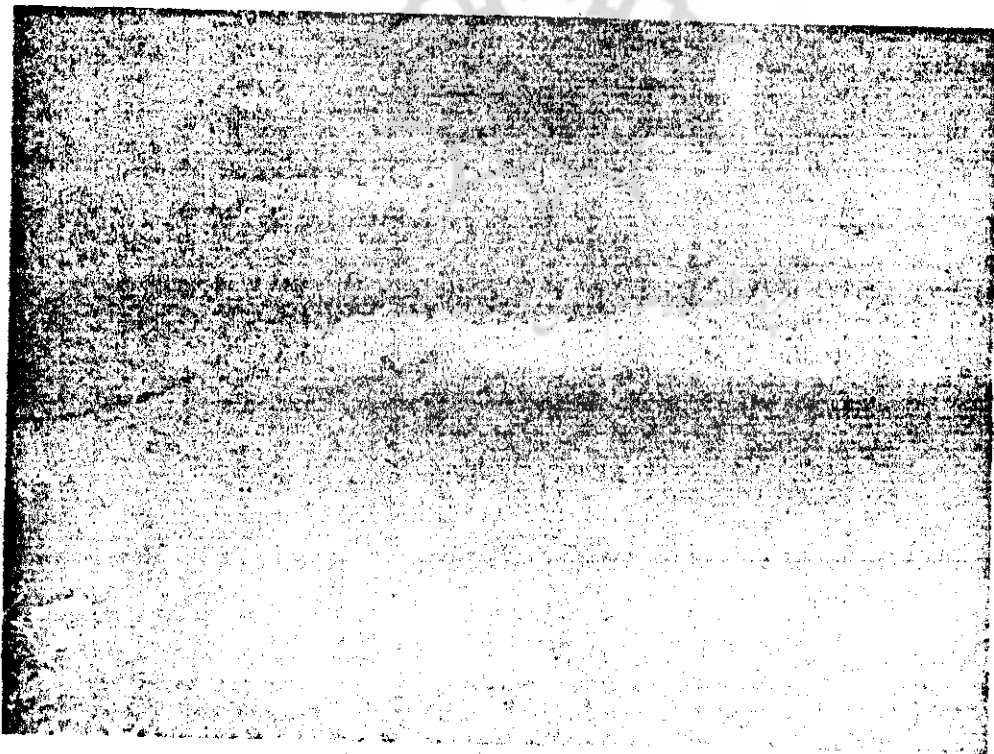
روستای بیزنده که در ۱۳ کیلومتری شهر خوی قرار گرفته از قبرستانی بازدید نمودیم و با دو پیکره شیرسنگی برخورد کردیم که خیلی نزدیک بهم قرار گرفته بودند و تقریباً یک اندازه تراشیده شده بودند ولی از نظر جنس سنگ و همچنین از نظر رنگ با هم متفاوت بودند. یکی سفید رنگ که با سنگ آهک کار شده و دیگری تیره رنگ و از سنگ رسوبی کار شده اند پاهای این پیکره ها تقریباً به خاک فرو رفته اند و ارتفاع آنها معلوم نیست، احتمالاً به یک متر می رسند. طول آنها نیز ۱/۵ متر است. اختلافی که این پیکره ها با شیرهای روستای قره شعبان دارند، یکی کوچک بودن جبهه هایشان و دیگر نقش های روی تنه و بالاخره نوع کار آنهاست در روی تنه این شیرها شمشیرهای بزرگی حک شده اما در شیرهای قره شعبان شمشیرهای کوچکی با دشته حک شده بود. نوع کار این شیرها بطور ساده و هندسی هستند. و چهره ها ساده، بشکل صورت انسان تراشیده شده اند. اما چهره شیرهای قره شعبان پرکارتر، محکم تر و با حالت خاص کار شده بودند. فرم دم آنها نیز مثل شیرهای دیگر به تنه آنها چسبیده و به پشت برگشته است. یکی از شیرها که رنگ تیره تری دارد، شکسته و طرف راست آن از بین رفته و حکاکی در روی طرف راست شیر، روشن تر دیده می شود همراه با یک خنجر، اما خواننده نمی شود، که آنرا در عکس شماره ۱۸ می بینیم، در گوشه دیگر این قبرستان پیکره قوچی را می بینیم که از سنگ سفید آهکی ساخته شده است و نوع کار آن نیز مثل قوچهای قره شعبان با شاخهایی بصورت پیچک که بر روی آن برگشته و حکاکی روی تنه آن که متأسفانه قابل خواندن نیست. فرم خنجر که روی طرف راست این قوچ کنده کاری شده با خنجرهای دیگر فرق می کند و طرف چپ این قوچ سنگی نقش شمشیری حک شده که ابزار جنگی زمان خود را نشان می دهد.

۴- قوچهای سه دوار (سعیدآباد)

این روستا که تقریباً در ۴ کیلومتری خوی قرار دارد، تنها با دو نمونه از پیکره های سنگی قوچ در قبرستان این روستا برخورد کردیم. یکی از این پیکره ها تقریباً به ارتفاع ۱ متر و طول ۱/۴۰



(شماره ۱۷ پیکره‌های شیر سنگی در روستای بیزنده)

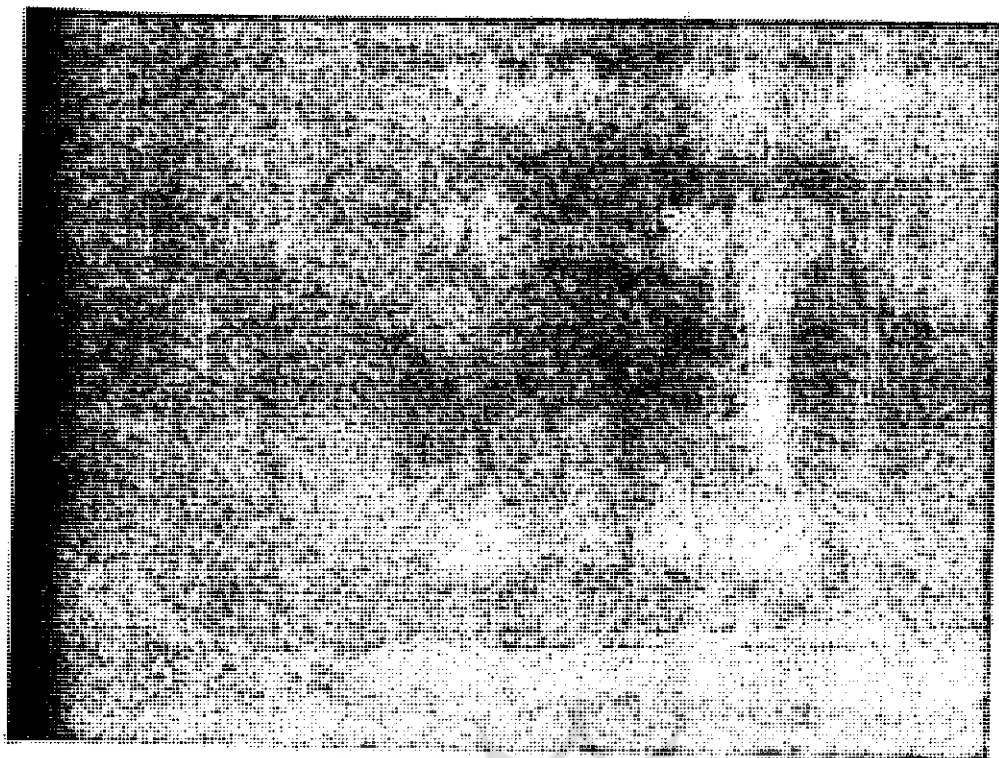


(شماره ۱۸ پیکره شیر سنگی در روستای بیزنده)

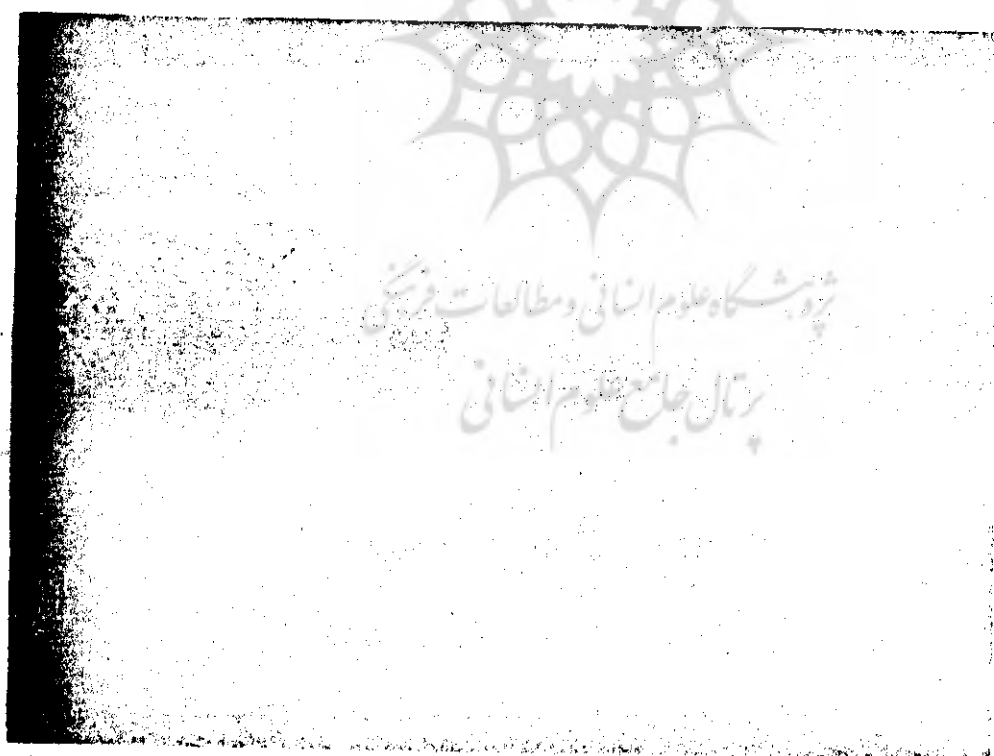
(شماره ۱۹ بیکره فوج سنگی از روستای بیزنده)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

(شماره ۲۰ بیکره فوج سنگی از روستای بیزنده)



(شماره ۲۱ پیکره قوچ سنگی از روستای سعیدآباد)



(شماره ۲۲ پیکره قوچ سنگی از روستای سعیدآباد)

سانتیمتر تراشیده شده بود. فرم شاخهای این قوچ بصورت پیچک به دور صورتش کار شده و در قسمت سمت چپ این پیکره یک حکاکی بشکل شمشیر که گویا به یاد بود آن مبارز که وسیله جنگی آن بوده کار شده است. این پیکره ها تقریباً در عهد صفویه تراشیده شده اند زیرا هنوز مبارزه با اسلحه هایی مثل تفنگ رایج نبوده و فقط با شمشیر مبارزه می کردند. یک برجستگی بصورت گردنبندی در گردن این قوچ حجاری شده که آنهم سمبول بودن است یعنی قهرمان را مال آب و خاک خود دانستن است. دهان این پیکره را که در عکس شماره ۲۱ مشاهده می کنیم شکسته شده است و پیکره دیگر قوچی است که با شاخهای پر پیچ، استوار و مغرورانه به جلونگاه می کند. ارتفاع آن معلوم نیست زیرا پاهایش به زمین فرورفته، طولش به $1/40$ سانتیمتر می رسد. در طرف چپ آن نوشته ای دیده می شود که متأسفانه خوانده نمی شود ولی تنها اسم (علی) و تاریخ آن نوشته شده که خوانده نمی شود این قوچ سنگی نیز در اثر باد و باران خسارتی دیده است. اسم علی که روی آن حک شده نشان میدهد که پیکره بعد از اسلام ساخته شده است. زیرا اسم علی بعد از اسلام رواج یافته است. در صورت این پیکره دهان و چشم آن نیز پیدا است که بصورت دایره ای کوچک حک شده و دهان آن نیز بصورت خطی اشاره شده که در عکس دیده نمی شود

۵- روستای مرکان (مارکان)

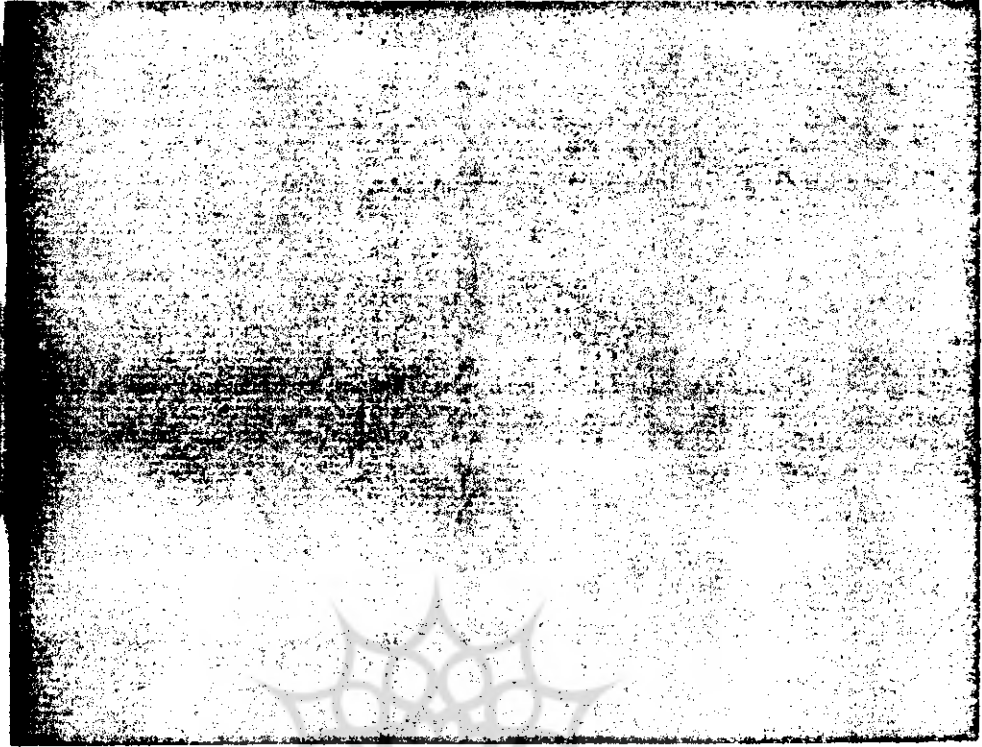
مارکان روستای بسیار زیبا و با آب و هوای خوش بین ما کوخوی قرار دارد. فاصله بین خوی تا این روستا ۴۵ کیلومتر است. در این روستا چند قبرستان وجود دارد که ۲ تای آنها قدیمتر از دیگر قبرستانها است تاریخ قبرهای معمولی حدود ۳۰۰ سال قدمت دارد. این قبرها در منطقه ای در دامنه کوهستان که گویا در گذشته محل جنگی بوده است صورت گرفته، و کشته شدگان جنگ را در این قبرستانها دفن کرده اند. روستائیان راجع به این قبرستانها اطلاعی نداشتند و نمی دانستند که آیا از خود اهالی این روستا دفن شده اند یا کشته شدگان جنگ بوده اند. تنها اطلاعاتی که در باره قوچهای این قبرستانها داشتند ۲ قوچی که بنام ۲ برادر بایزاقلی و سلطان قلی که هر دو از قهرمانهای بومی آن روستا بوده اند را بیاد داشتند که اجداد آنها اطلاعاتی درباره این قهرمان بآنها داده اند. در عکس شماره ۲۳ نمونه ای از سر قوچهای این روستا را مشاهده می کنید. در این قبرستانها حدود ۹ الی ۱۰ پیکره سنگی قوچ وجود دارد. که یکی از آنها را بسیار بزرگ و جالب تراشیده شده اند که گویا قهرمان این قوچ بنام سلطان قلی بوده است. روستائیان تعریف می کنند که ۲ عدد از این قوچها متعلق به ۲ برادر قهرمان و یک خواهر که قبر آن نیز سنگی پهن و روی آن نقش انسانی را که دستهایش را روی سینه اش گرفته، حک شده و نوشته ای که روی آن حجاری گردیده است. می گویند (یا زیق مریم بالاسی دوشنده) یعنی بیچاره مریم بچه اش روی سینه اش. گویا این خانواده در دست فئودالها به شهادت رسیدند؛ قدیمی ترین قوچهای این روستا قوچی است که در عکس شماره ۲۴ و ۲۵ مشاهده



(شماره ۲۳ تصویر قوچ سنگی از روستای مارکان)



(شماره ۲۴ پیکره قوچ سنگی از روستای مارکان)



(شماره ۲۵ پیکره فوج سنگی از روستای مارکان)



(شماره ۲۶ پیکره فوج سنگی از روستای مارکان)

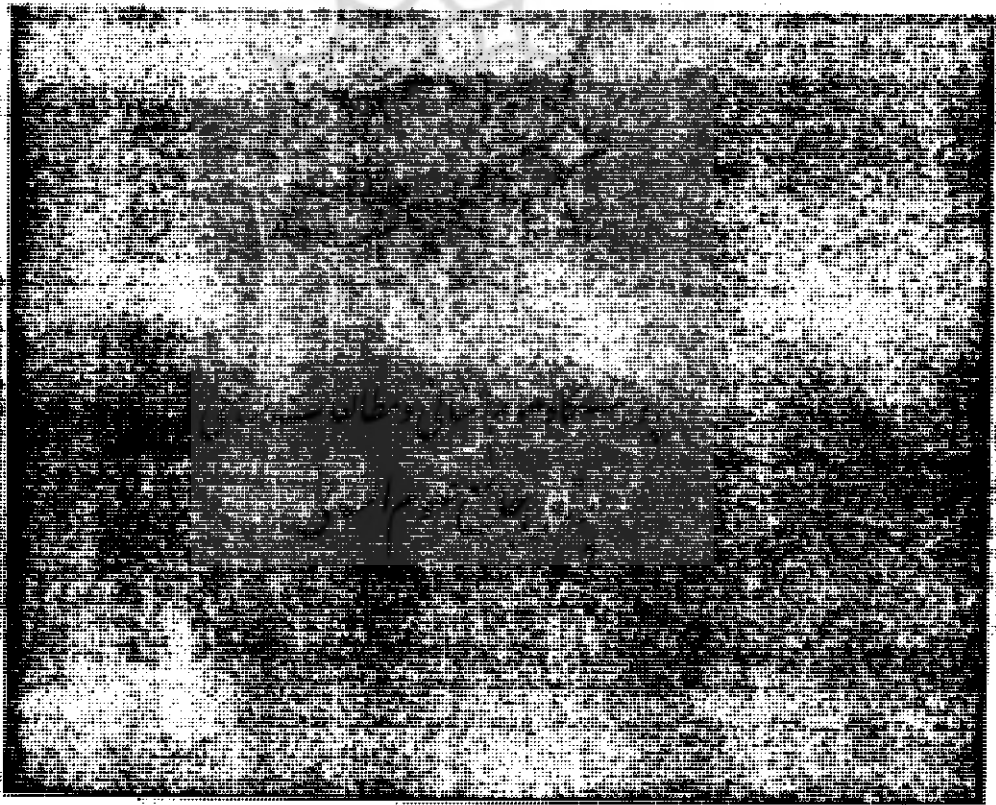
می کنید که با قوچهای روستای قره شعبان و سعید آباد فرق دارد.

این پیکره با عظمت ایستاده و به جلونگاه می کند. فرم شاخهای این قوچ بصورت پیچک ۱/۵ دور به دور صورتش برگشته و در طرف چپ این قوچ نقش شمشیری کنده کاری شده که متاسفانه در اثر باد و باران از بین رفته است. پیکره دیگری که در عکس شماره ۲۶ می بینیم از سنگ رسوبی ساخته شده و با قوچهای روستاهای قره شعبان و سعید آباد فرق می کند نوع پیچک شاخهایش دو دور به صورتش گشته و هر چقدر پیچک شاخهای قوچ بیشتر باشد بیانگر سن آن است که شاید هنرمند بومی سعی کرده سن آن قهرمان را با پیچک شاخهای این پیکره نشان دهد در روی طرف راست نقشهایی از خنجر و تار و عصا کنده کاری شده که سمبولهای ابزار جنگی و عاشق بودن و عصا هم شاید مسن بودن آن قهرمان را نشان می دهد.

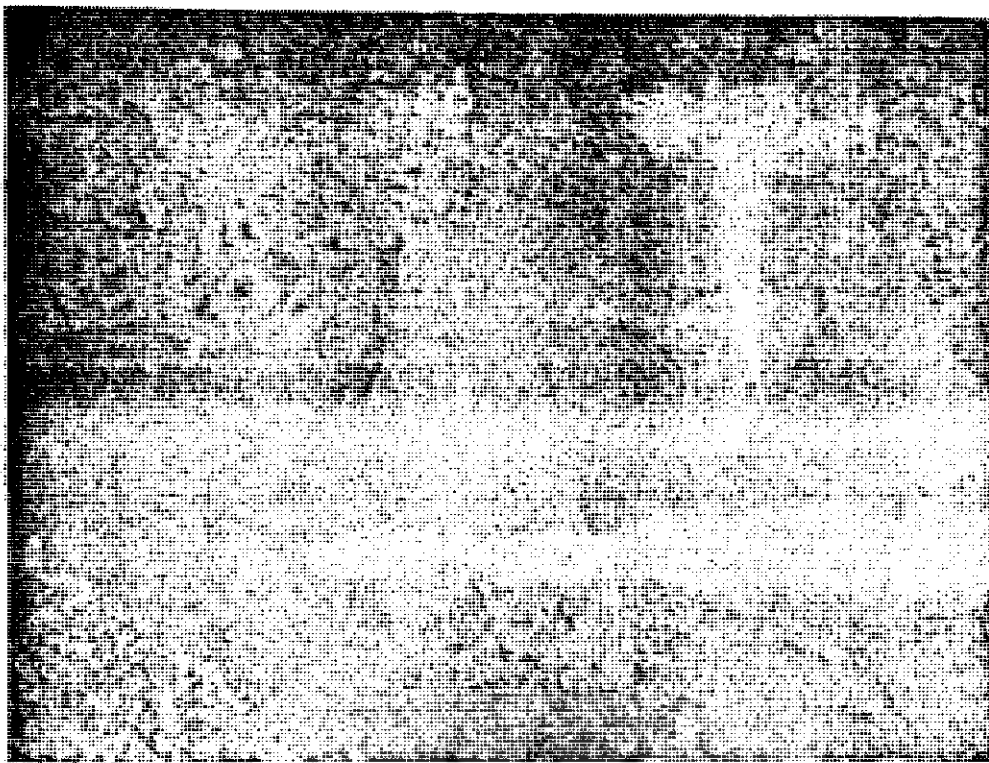
قوچ دیگری که در عکس شماره ۲۷ مشاهده می کنیم تقریباً مثل قوچ شماره ۲۶ کار شده و احتمالاً در یک زمان کار شده است. شاخهایش مثل قوچ قبلی است و ابزار جنگی در طرف چپ این مجسمه حک شده، اما تاریخ آن دیده نمیشود. ارتفاع این قوچ به ۱ متر و طول آن ۱/۴۰ سانتیمتر می رسد. قوچ دیگری که در شماره ۲۸ می بینیم که فرم حجاری آن مقداری با قوچ قبلی فرق می کنند. اختلاف آن در شاخهایش است که دو دور به دور صورتش برگشته و شکل حلزومی دارد. در طرف چپ این قوچ نقش جنجری حک شده که نوع اسلحه آن موقع را نشان می دهد.

و بعلمت آنکه این قوچ بر روی زمین افتاده بود امکان حرکت دادن آن نبود، نتوانستیم تمام قسمتهای آنرا به بینیم. قوچ دیگری که در شماره ۲۹ و ۳۰ می بینیم که بسیار جالب کار شده اند و شبیه به قوچهای طبیعی هستند. نوع سنگ این قوچ رسوبی است و پاهای این پیکره بصورت پایه ای به هم متصل شده است. فرم شاخهای این قوچ با قبلی فرق می کند. فرم شاخها بصورت پیچک به قسمت بالای سرش برگشته و حکاکی های آن نیز در اثر باد و باران از بین رفته و در اثر مرور زمان بافت جالبی بر روی تنه این قوچ پیدا شده است. این قوچ از این نظر باعث حیرت است که هنرمند بومی که به اصول فنی و علمی هنر حجاری آشنایی ندارد با چه مهارتی مجسمه را ساخته است. قوچ شماره ۳۱ بزرگتر از قوچهای قبلی است و پایه آن بوسیله پایه ای بهم وصل شده، و شمشیری در طرف چپ آن حک گردیده، نوع این قوچ هم از قوچهای با عظمت است و بعنوان سمبل شهامت و مبارزه ساخته شده است. نوع سنگ آن نیز رسوبی است، اندازه آن به ارتفاع ۱/۱۰ سانتیمتر و طول ۱/۵ متر است فرم شاخهای آن بفرم خاصی از جلوسریش به طرف صورتش برگشته و زیبایی خاصی ایجاد کرده است. بزرگترین قوچی که در این قبرستان می بینیم قوچ با عظمتی است که با فرم هندسی زیبایی کار شده است. فرم شاخهای این قوچ را که در شکل ۳۴ مشاهده می کنیم با فرم شاخهای قوچهای قبلی فرق می کند. فرم شاخهایش حدوداً سه دور روی صورتش برگشته و در وسط شاخهایش چشم آنرا مشاهده می کنیم فرم کلی این قوچ تشکیل شده از یک مربع یک مثلث. آنچه که از نیمرخ دیده میشود بصورت حجم مخروطی و یک مکعب است. در سنگهای ۳۲ و ۳۳ مشاهده می کنیم در طرف راست این قوچ حکاکی از یک شمشیر و نوشته ای حک شده که اسم قهرمان سلطان قلی خوانده می شود. و طرف چپ این قوچ یک

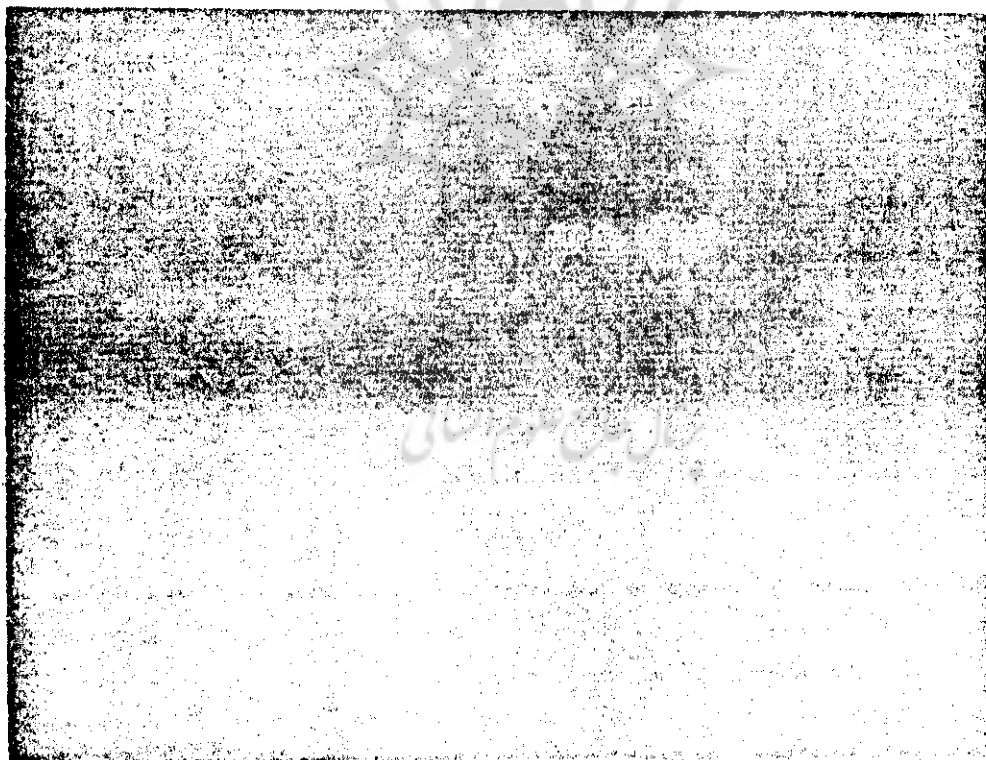
بزکوهی حکاکی شده که این هم نشان دهنده سمبول شکار است. قهرمان این قوچ شکارچی بوده یا علاقه به شکار دارد. روستائیان تعریف میکردند که شکارچیان قبل از رفتن به شکار تفنگ خود را از زیر این قوچ عبور می دهند تا در شکار موفقیتی بیشتر حاصل کنند. البته این را هم بگوئیم که اطراف این روستای مارکان شکارگاه است. نمونه این نوع قوچ را در هیچ روستائی ندیدیم، این نوع پیشرفته ترین پیکره سنگی این منطقه است. اندازه این قوچ حدوداً $1/30$ سانتیمتر ارتفاع و $1/80$ طول آن میباشد. این قوچ جدیدترین قوچ است که در این منطقه دیده شده. زیرا در طرف چپ این پیکره علاوه بر نقش یک بزکوهی یک نقش دیگر که حدس زده می شود تفنگ است دیده میشود. قوچ دیگری که در شماره ۳۵ دیده می شود که احتمالاً در اثر جنگ بین مسلمانان و ارامنه که حدود ۶۰ سال پیش رخ داده شکسته شده است. نوع کار این قوچ پیشرفته تر و هندسی تر از قوچهای دیگر است. نوشته ای روی آن حک شده که به زبان عربی است به این صورت: (تورب دی والدی رادطایم رحمته الله). و فرم شاخهای این قوچ نیز مثل قوچی شماره ۳۴ است.



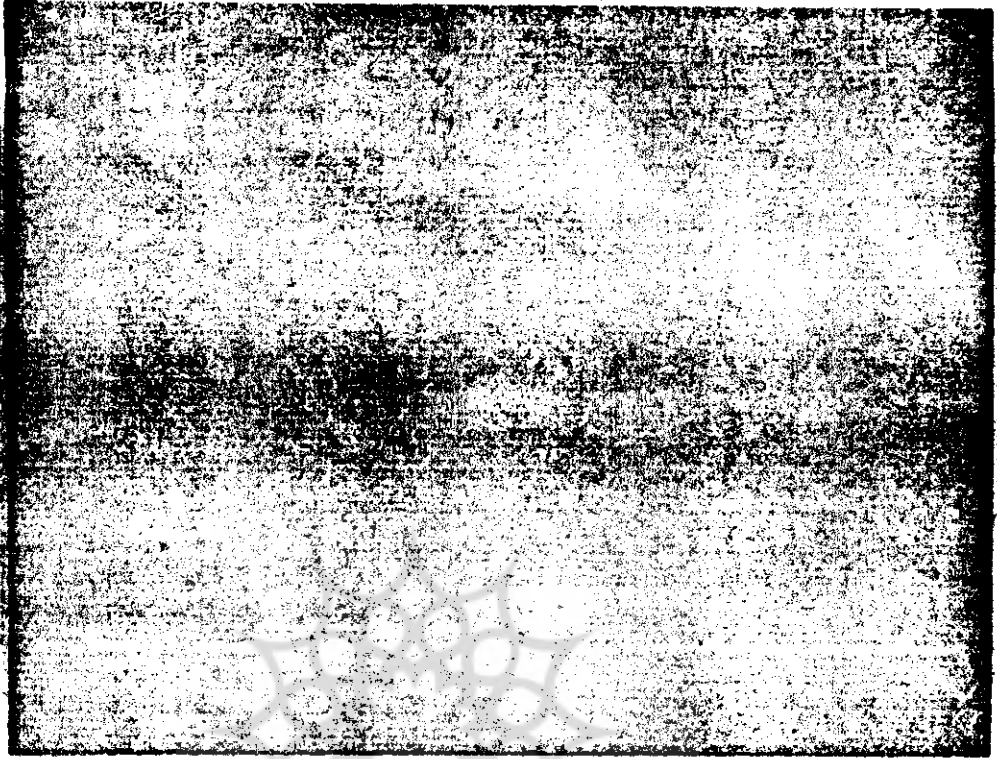
(شماره ۲۷ پیکره قوچ سنگی از روستای مارکان)



(شماره ۲۸ بیکره قوچ سنگی از روستای مارکان)



(شماره ۲۹ بیکره قوچ سنگی از روستای مارکان)



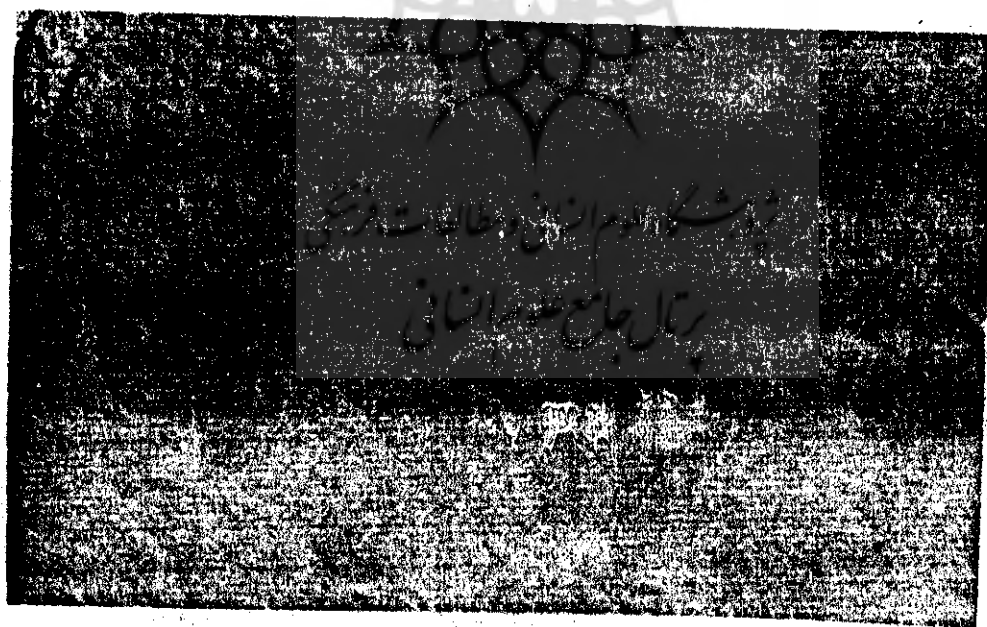
(شماره ۳۰ پیکره قوچ سنگی از روستای مارکان)



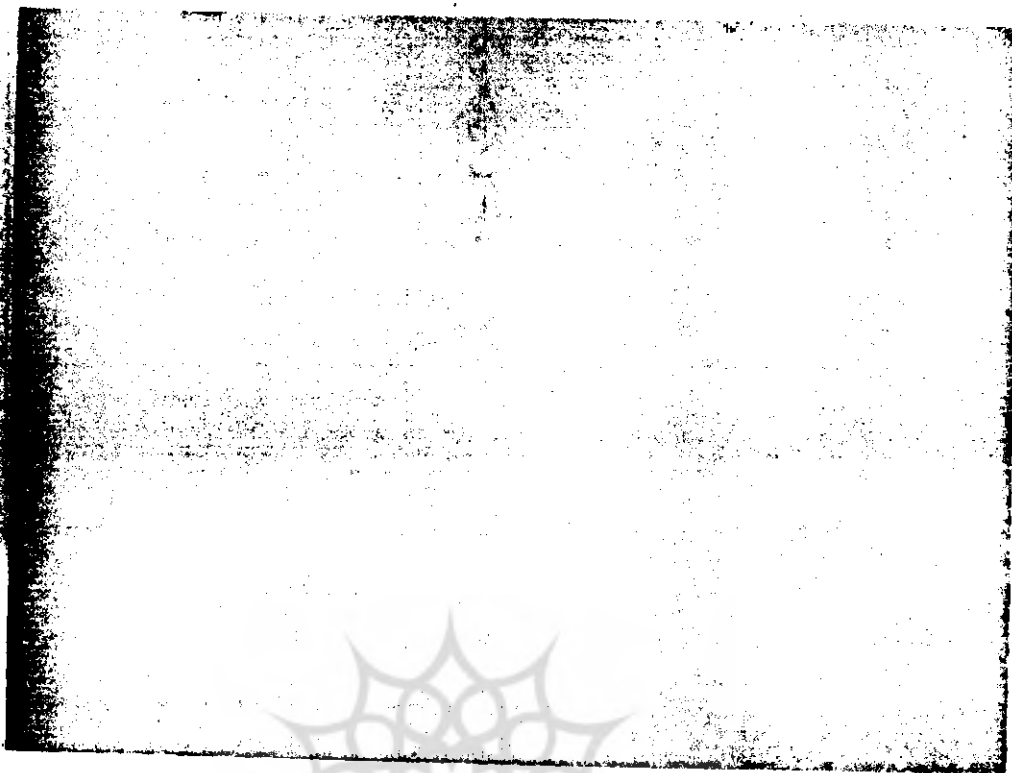
(شماره ۳۱ پیکره قوچ سنگی از روستای مارکان)



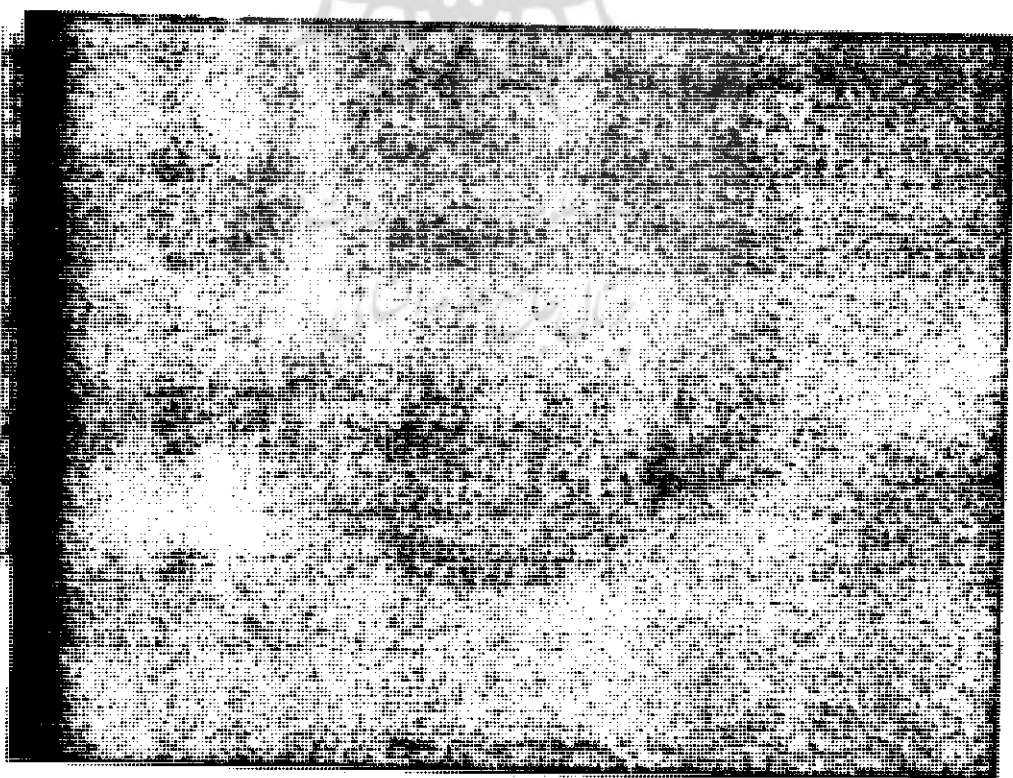
(شماره ۳۲ بیکره قوچ سنگی از روستای مارکان)



(شماره ۳۳ بیکره قوچ سنگی از روستای مارکان)



(شماره ۳۴ تصویر سر قوچ سنگی از روستای مارکان)



(شماره ۳۵) پیکره قوچ سنگی در روستای مارکان که شکسته است)



(شماره ۳۶ پیکره قهرمانی از روستای ولایت)

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

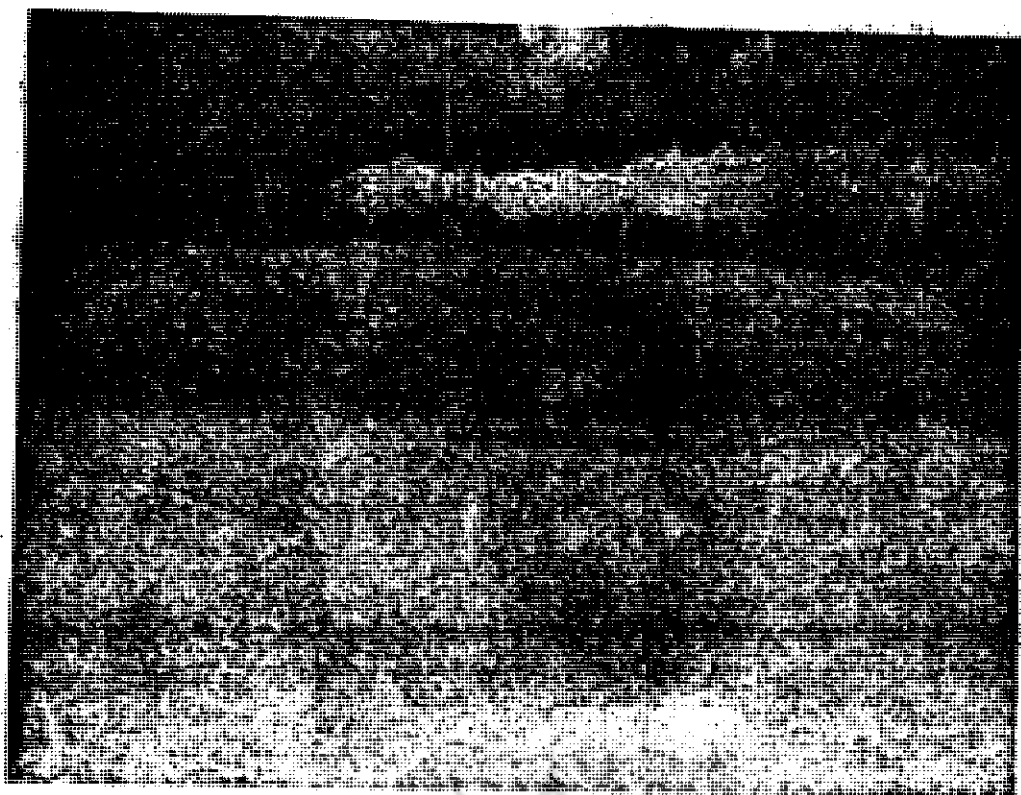
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



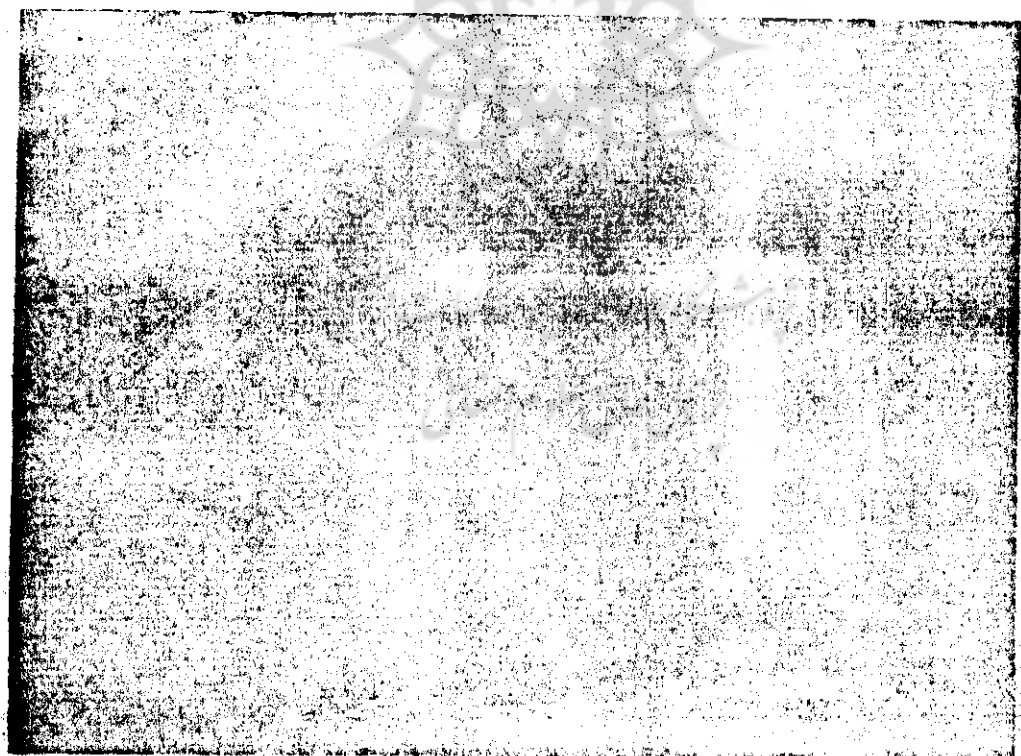
(شماره ۴۰ بیکره قوچ سنگی از روستای ولدیان)



(شماره ۴۱ بیکره قوچ سنگی از روستای ولدیان)



(شماره ۴۲ پیکره قوچ سنگی از روستای ولدیان)



(شماره ۴۳ پیکره قوچ سنگی از روستای ولدیان)

قوچهای دیگر متفاوت است. فرمهای منحنی شاخهایش بصورت شکسته، پیچ خورده و در وسط صورتش یک نیم کره بجای چشم حک شده است. جنس سنگ آن رسوبی است. قوچ دیگری که شماره ۴۲ مشاهده میکنیم یک قوچ قدیمی و خوش رنگی است، در طرف چپ آن نقش برجسته غلاف یا ظرف شمشیری را می بینیم و فرم شاخهایش نیز حلزونی است. جنس سنگ این قوچ سنگی سخت تر از قبلی است و در اثر رطوبت باغ، رنگ بخصوصی بخود گرفته و در قسمتهائی از آن جلبک های خشک شده و فسیل شده بنظر میآید. اندازه این قوچ نسبتاً کوچکتر از قوچ شماره قبلی است.

اندازه این قوچ نیز با آن فرق دارد و نسبتاً کوچکتر از آن میباشد. در طرف راست این قوچ نوشته ای حک شده که در عکس دیده نمی شود. قوچ شماره ۴۳ با قوچهای قبلی فرق دارد. و تقریباً به قوچهای طبیعی شباهت دارد. تفاوت عمده آن با قوچهای قبلی این است که با فرم های منحنی و نرمی کار شده و زاویه ندارد. همه این قوچهایی که تا کنون مشاهده کرده ایم با فرم هندسی خاصی کار شده اند تفاوت دیگر این قوچ با قوچهای هیتی این است که شاخهای آن کوچکتر و بصورت خنجری شکل درآمده و شبیه به شاخهای گوسفندهای امروزی است. و هیچ نوع حکاکی روی این قوچ حک نشده، شاید هم در اثر باد باران از بین رفته باشد. حدس زده می شود که قهرمان این قوچ کم سن و سال بوده، زیرا با مشاهده این پیکره، میتوانیم کم سن و سالی قهرمان شهید را متصور شویم.

روستای کردنشین

از روستای دیگری بنام کردنشین که تقریباً در ۱۰ کیلومتری شهرستان خوی واقع است، دیدن نمودیم، این روستا دارای یک قبرستان قدیمی است، که پیکره سنگی چند قوچ در آن قرار دارد و این قبرستان در حال حاضر تبدیل به زمین بازی بچه های روستا شده است. از بچه های این روستا کمک گرفتیم، تا مجسمه های افتاده را از زمین بلند کنیم، ضمناً یک لوحه سنگی دیگر در کنار به زمین افتاده بود. آنرا نیز از زمین بلند کردیم. تاریخ نصب این پیکره ها معلوم نیست، اما راجع به آنها اطلاعاتی از مردم روستا خواستیم. برای ما بیان کردند که یک پیرمرد ۱۱۰ ساله در این روستا زندگی می کند، او نیز میگفت: من از وقتی چشم باز کردم این پیکره ها را دیده ام و حتی پدر و اجدادم راجع به این پیکره ها داستانها می گفتند که همگی از قدیم بوده اند. اما راجع به رسوم اهالی روستا گفته میشد که بچه های مریض را از وسط پای این قوچها عبور می دادند. حتی من را (پیرمرد) نیز چند بار از زیر این پیکره ها عبور داده اند. قوچی که در تصویر شماره ۴۵ مشاهده می کنیم قدیمترین قوچ سنگی این روستاست که در اثر باد و باران مقداری از طرف چپ آن سائیده شده و از بین رفته است. شاخهای این پیکره مثل پیکره های قبلی به دور صورت برگشته، و در طرف راس آن نقش برجسته خنجری برزگ نیز حک شده است که ابزار جنگی آن زمان را نشان

می دهد. متأسفانه هیچ نوشته ای در روی تنه این قوچ دیده نمی شود تا زمان آنرا مشخص کند. اندازه آن حدوداً به ارتفاع $1/10$ سانتیمتر و طول ۱۲۸ سانتیمتر می رسد. جنس سنگ این پیکره را که در تصویر شماره ۴۶ می بینیم از جنس سنگ رسوبی است. از قوچ دیگری که در این قبرستان بازدید نمودیم، قوچی است که ارتفاع پاهای جلو آن بلندتر از پاهای عقب آنست. قامت این پیکره ما را به یاد قهرمان این پیکره قوچ سنگی می اندازد جنس سنگ این پیکره از پیکره قبلی سخت تر است. همانطور که در تصویر شماره ۴۷ می بینیم نقش خنجری در طرف راست آن حک شده و چهره پیکره شبیه قوچهای طبیعی است. و چشم و دهان این قوچ نیز کاملاً مشاهده می شود. در عکس شماره ۴۸ قوچ سنگی دیگری که مشاهده می کنیم که تقریباً با قوچ سنگی قبلی شباهت دارد. ولی برعکس آن پاهای عقب بلندتر از پاهای جلو آنست. در طرف راست مجسمه نقش خنجری را می بینیم که تقریباً مثل پیکره قبلی است و طرف چپ این پیکره نیز دارای نقش شمشیر بزرگی است که در آن حک شده است فرم شاخهایش مثلاً پیکره های قبلی بوده، و حدس زده می شود که در یک زمان کار شده باشند. چشم و دهان آن نیز پیداست که آنرا در عکس شماره ۴۹ می بینیم. سنگ لوحه ماندی در کنار این قوچ دیده می شود که احتمالاً بعد از آنها ساخته شده و در طرفین آن پنج زوج طاقچه کوچک هلالی حکاکی شده است.

در قسمت فوقانی لوحه بهمان شکل، طاقچه کشیده ای - حکاکی فرورفته انجام شده که در داخل آن نقش هایی بصورت برجسته بشکل شانه چوبی و نقش دیگری بشکل نعل حجاری شد است. نوشته ای نیز در کنار نقش ها دیده میشود که نام صاحب قبر است. بنام نازآقا خوانده می شود که در عکس شماره ۴۸ آنرا می بینیم. پیکره سنگی قوچ دیگری را در عکسهای شماره ۵۱ و ۵۲ می بینیم که تقریباً سالم تر از قبلی هاست، و به فرم هندسی خاصی کار شده است، و در طرف چپ آن نیز نقش شمشیری بزرگ حکاکی گردیده و فرم شاخهای آن بطرز جالبی به دو طرف صورت برگشته و چهره آن را کاملاً مشخص مینماید. جنس سنگ این پیکره آهکی است و اندازه آن نیز بزرگتر از قبلی ها است.



(شماره ۴۴ تصویر سرفوج سنگی از روستای کردنشین)

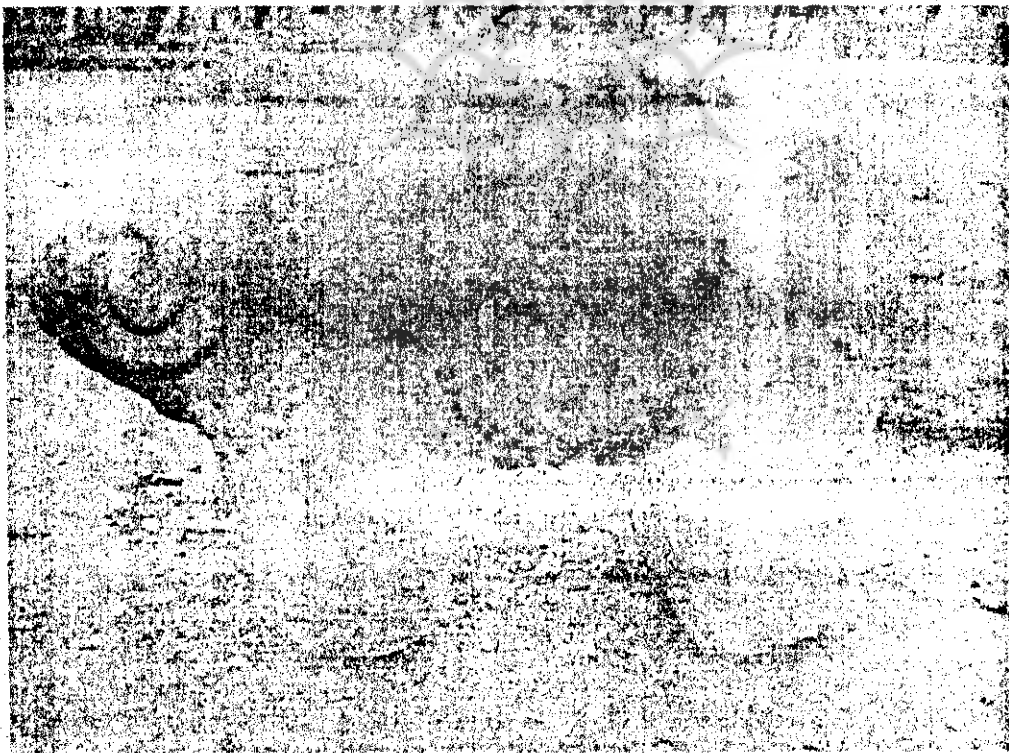


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

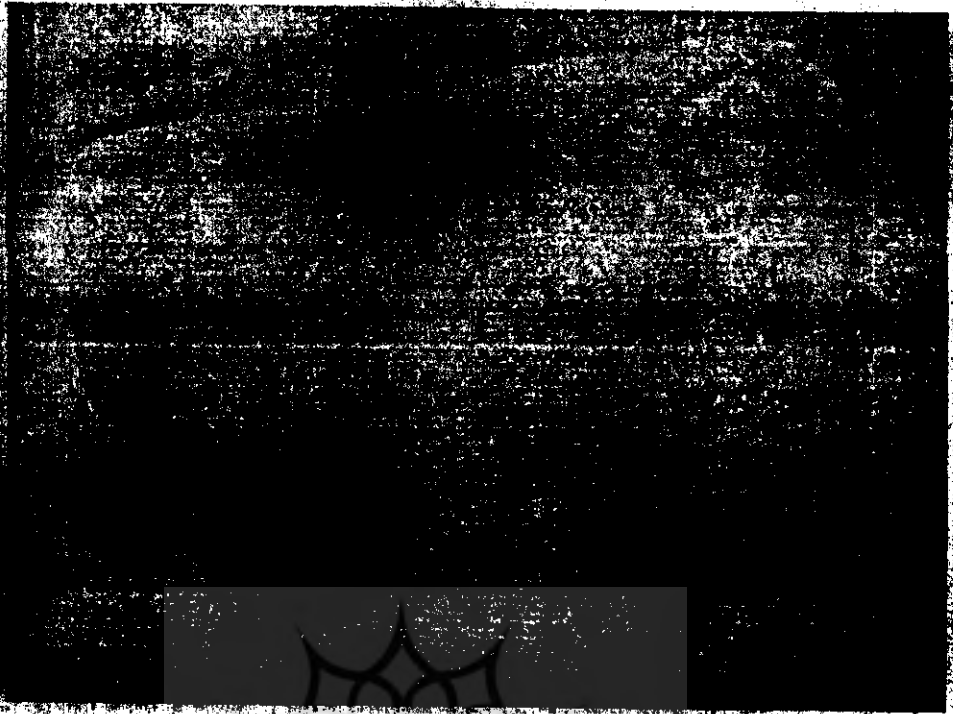
(شماره ۴۵ پیکره فوج سنگی از روستای کردنشین)



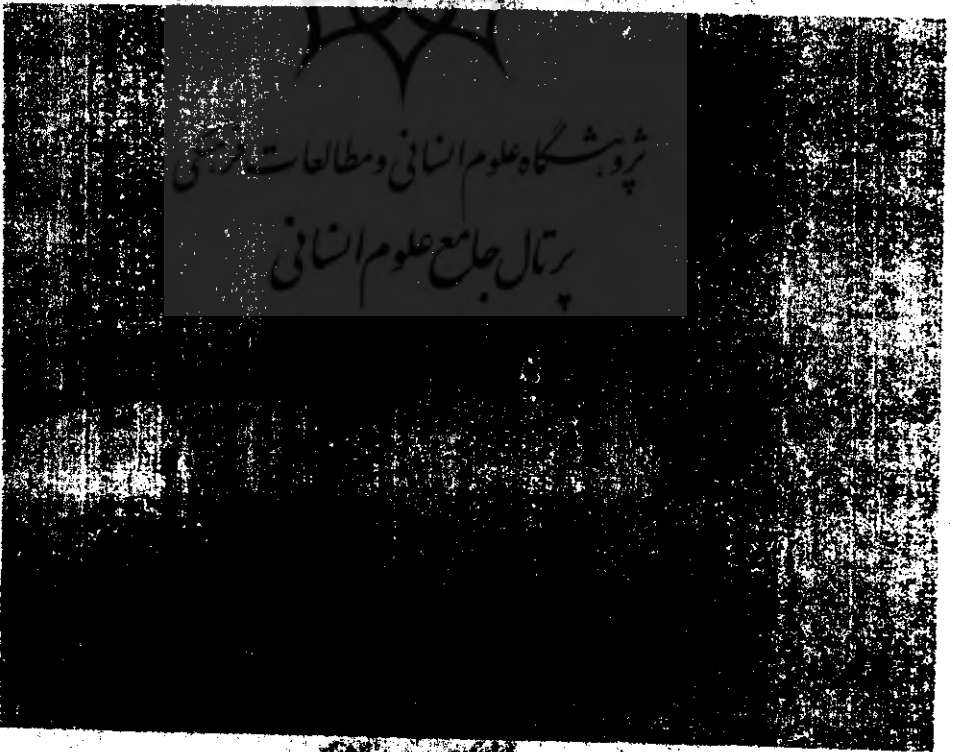
(شماره ۴۶ پیکره قوچ سنگی از روستای گردنشین)



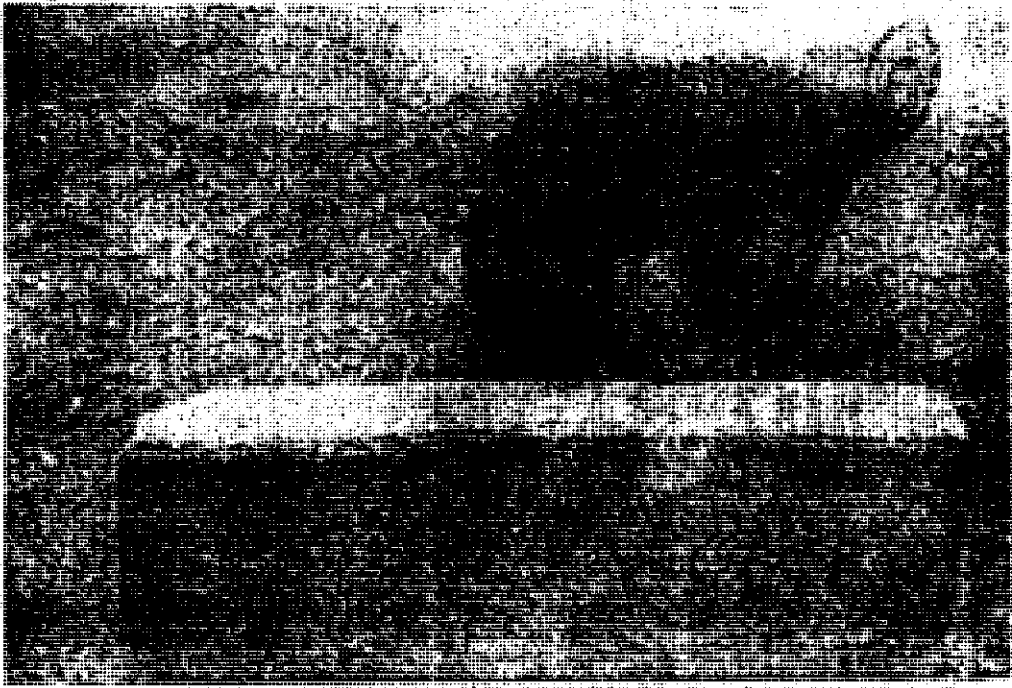
(شماره ۴۷ پیکره قوچ سنگی از روستای گردنشین)



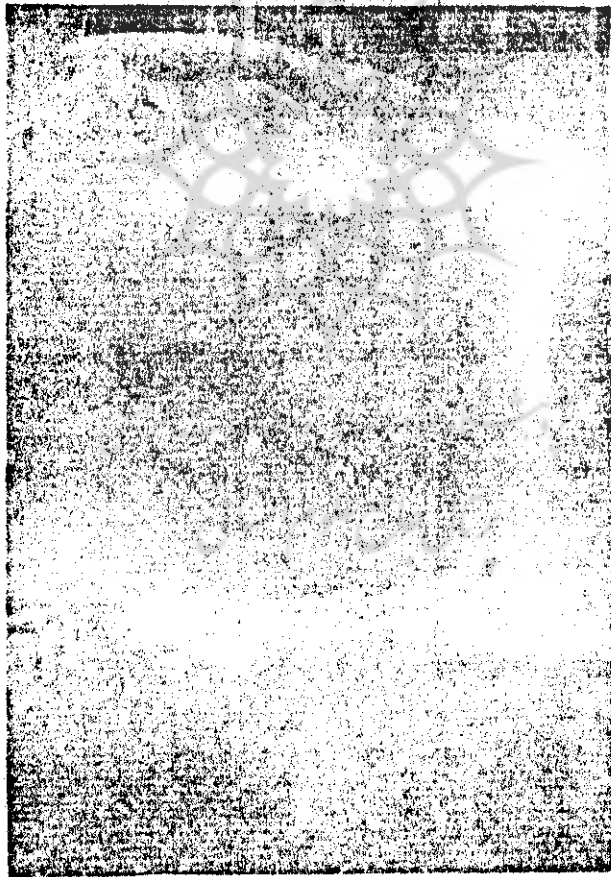
(شماره ۴۸ لوحه سنگی و بیکره قوچ دوزروستای کردنشین)



(شماره ۴۹ لوحه سنگی و بیکره قوچ دوزروستای کردنشین)



(شماره ۵۰ بیکره قوچ سنگی از روستای کردنشین)



(شماره ۵۱ بیکره قوچ سنگی از روستای کردنشین)



فصل دوم

بررسی فرم پیکره‌ها و نقوش سمبلیک آنها:

۱- شکل هندسی پیکره‌ها: الف: شیرهای سنگی ب: فوچهای سنگی

۲- فرم چهره پیکره‌ها

۳- ابزارهای جنگی و فرم سمبلیک آنها

۴- نوشته‌ها و تاریخ پیکره‌ها

شکل هندسی پیکره‌ها:

الف: پیکره شیرهای سنگی اکثراً با فرمهای هندسی حجاری شده‌اند، وقامت کلی پیکره‌ها از دو مکعب مستطیلی تشکیل گردیده‌اند. قسمت تنه پیکره را مکعبی بزرگتر و قسمت سر پیکره مکعبی کوچکتر تشکیل داده است. بطور کلی دم شیرها به طرف راست در روی تنه آن برگشته، و ابزار جنگی یا نوشته و یا تاریخ آن در طرف چپ یا راست پیکره حکاکی شده است.

شکل شماره ۵۳

ب- قوچهای سنگی نیز مثل شیرهای سنگی دارای شکل هندسی هستند. از نظر کلی به شکل مکعبی شیرهای سنگی شباهت دارند، ولی بعضی از پیکره‌های قوچ سنگی با شکل شیرهای سنگی متفاوت است. یعنی قسمت تنه بصورت مکعب مستطیل است و قسمت سر آنها دارای شکل‌های ترکیبی است، فرم تکاملی آنها را در تصویر شماره ۵۴ می بینیم.

۲- فرم چهره پیکره‌ها: الف: چهره شیرهای سنگی که عموماً شبیه صورت انسان ساخته می شدند، دارای ترکیب بخصوصی هستند، و بعضی از آنها پی کارتر و بصورت انتزاعی کار شده‌اند، و بعضی دیگر بصورت ساده و هندسی حجاری گردیده‌اند.

ب: فرمهای چهره و شاخهای قوچ

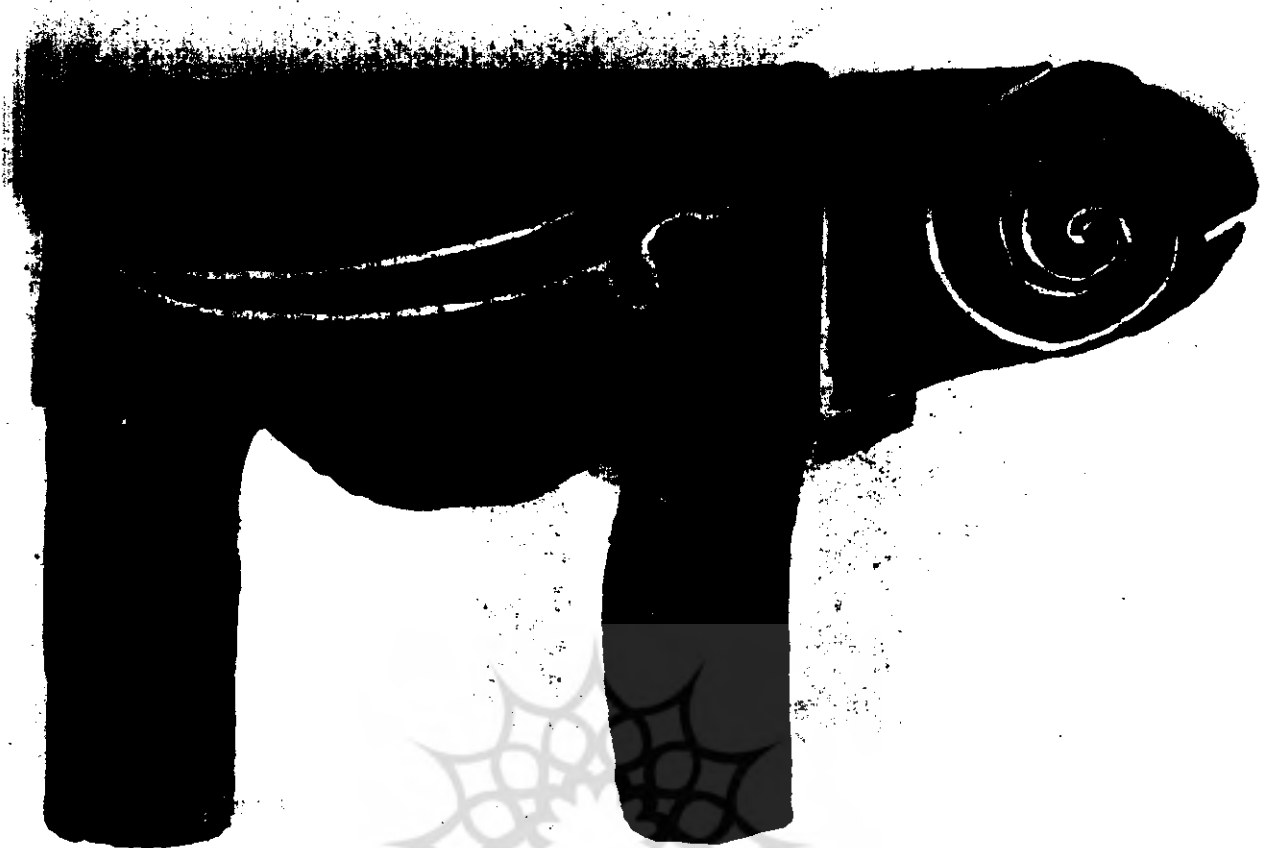
فرم چهره قوچها نیز ساده کار شده‌اند، و دهان آنها بصورت خطی افقی و چشمهایشان نیز بحالت دایره کوچک حجاری گردیده‌اند. فرم شاخهای پیکره‌های قوچ نیز بصورت حلزونی حجاری شده‌اند. اما از نظر اندازه با هم فرق دارند. بعضی از شاخهای قوچ دو دور و بعضی ها یک و نیم دور در دو طرف صورت پیکره‌ها برگشته و بطرز جالبی حجاری شده‌اند.

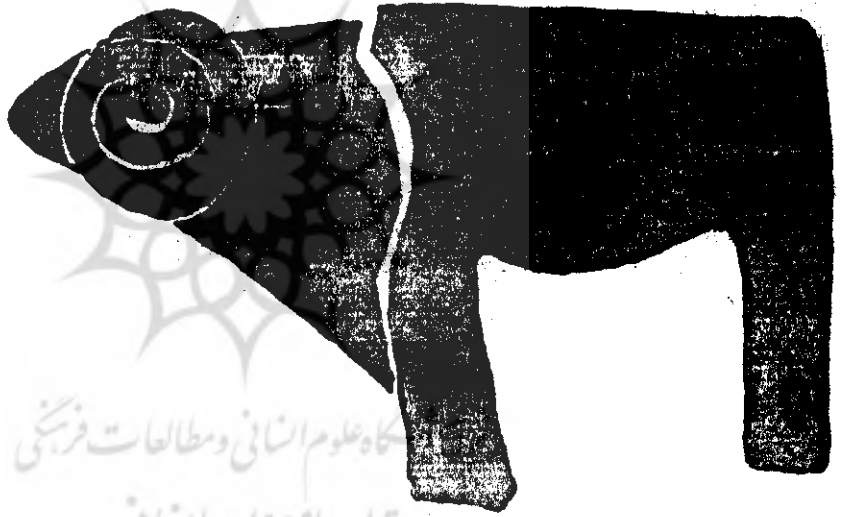
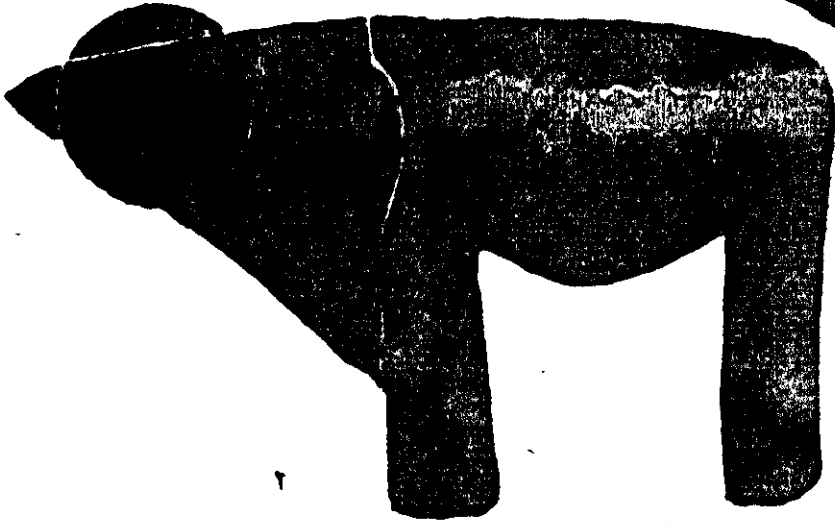
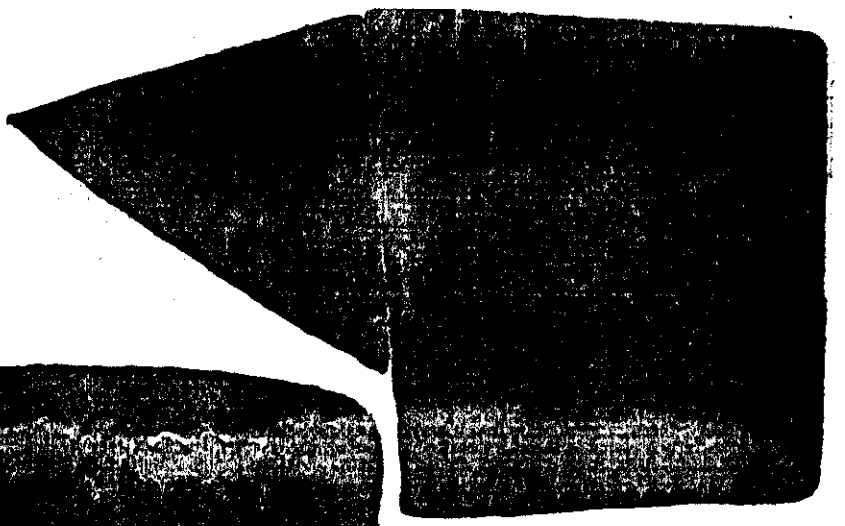
۳- ابزارهای جنگی و فرمهای سمبلیک آن:

در تنه پیکره‌های قوچ و شیر، اکثراً ابزار جنگی قهرمانان آن زمان حجاری شده است. این ابزارهای جنگی شامل خنجر، شمشیر و گرز هستند. ابزار و شکل‌های دیگری نیز مثل تار، و نقش ساده انسان یا حیوان بصورت هندسی در تنه بعضی از این پیکره‌ها دیده می شود، که نقشی سمبلیک دارند.

۴- نوشته‌ها و تاریخ پیکره‌ها

در تنه بسیاری از پیکره‌های قوچ و شیر نوشته‌هایی دیده می شود، که نام صاحب قهرمان، به زبانهای عربی یا فارسی یا ترکی حکاکی شده است، و همچنین تاریخ پیکره‌ها نیز همراه این نوشته‌ها، یا جداگانه حجاری گردیده‌اند.



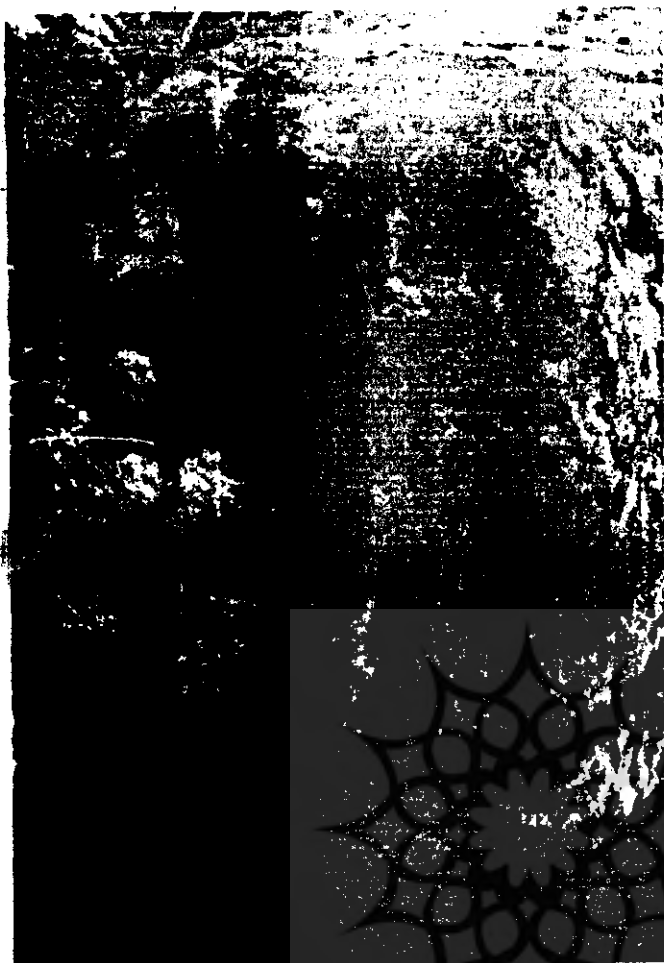


قاهولس / ۱۴۰

مکاتھ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

۱۳۷۱

۴



شماره ۵۷- فرم چهره شیرسنگی که بصورت انتزاعی و پرکار حجاری شده است.

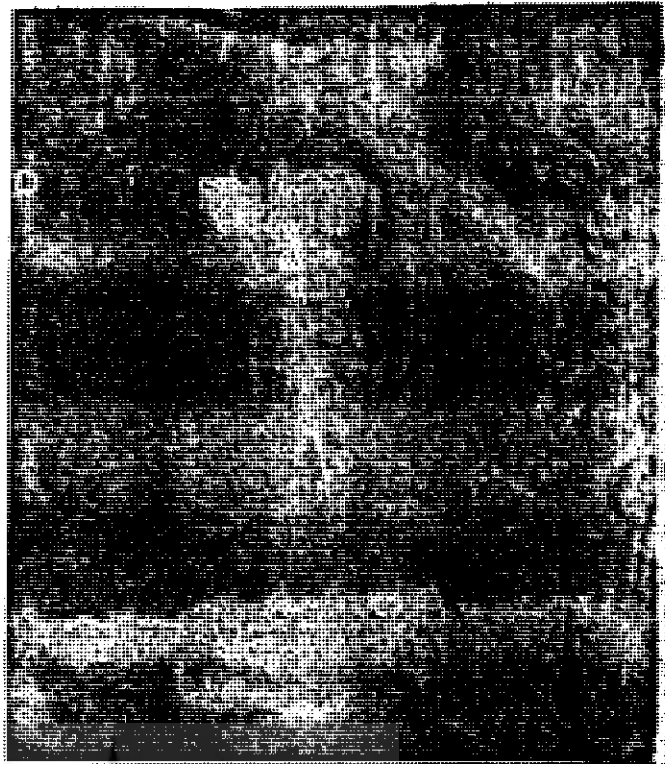


شماره ۵۶- فرم چهره شیرسنگی که بصورت انتزاعی و پرکار حجاری شده است.



شماره ۵۸- فرم چهره شیرسنگی با حالت خشمگین که حالت درونی هنرمند بومی را بیان می کند

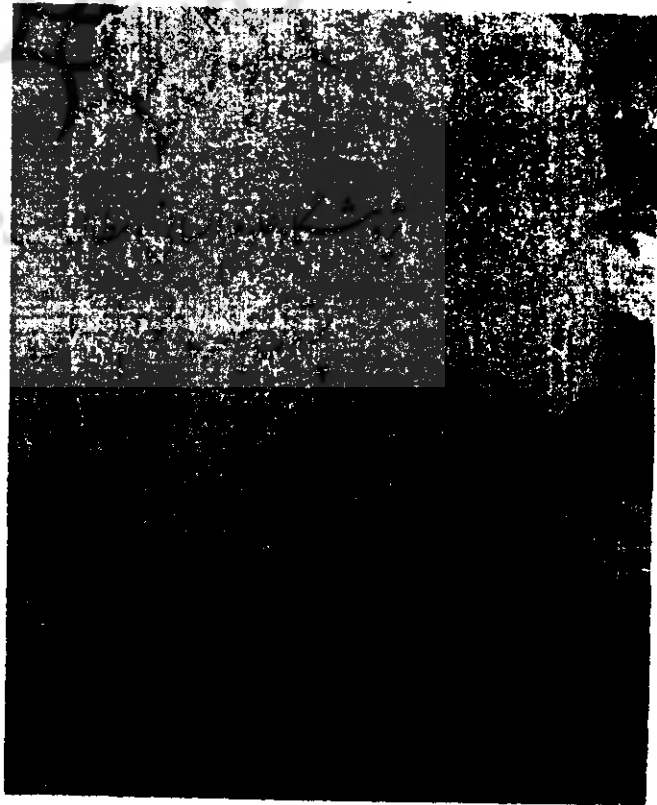
شماره ۵۹ - فرم چهره شیرسنگی
بصورت پرکار با حالت بزرگ. کار شده است.



شماره ۶۰ - فرم چهره شیرسنگی
که به شکل چهره انسان و با فرم
ساده کار شده است.



شماره ۶۱- فرم چهره شیرسنگی که به شکل
چهر انسان و با فرم ساده، کار شده است.



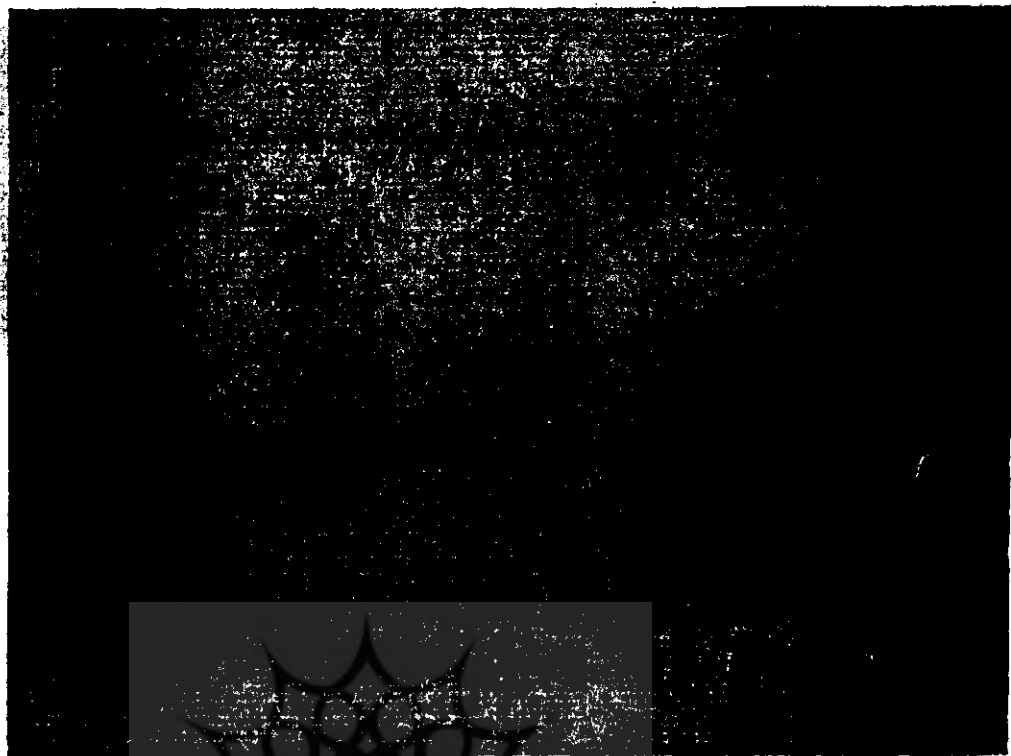
شماره ۶۲- فرم چهره شیرسنگی که به شکل چهره انسان
و با فرم ساده، کار شده است.



شماره ۶۳- فرم شاخهای قوچ سنگی که شبیه شاخهای قوچ طبیعی حجاری شده است



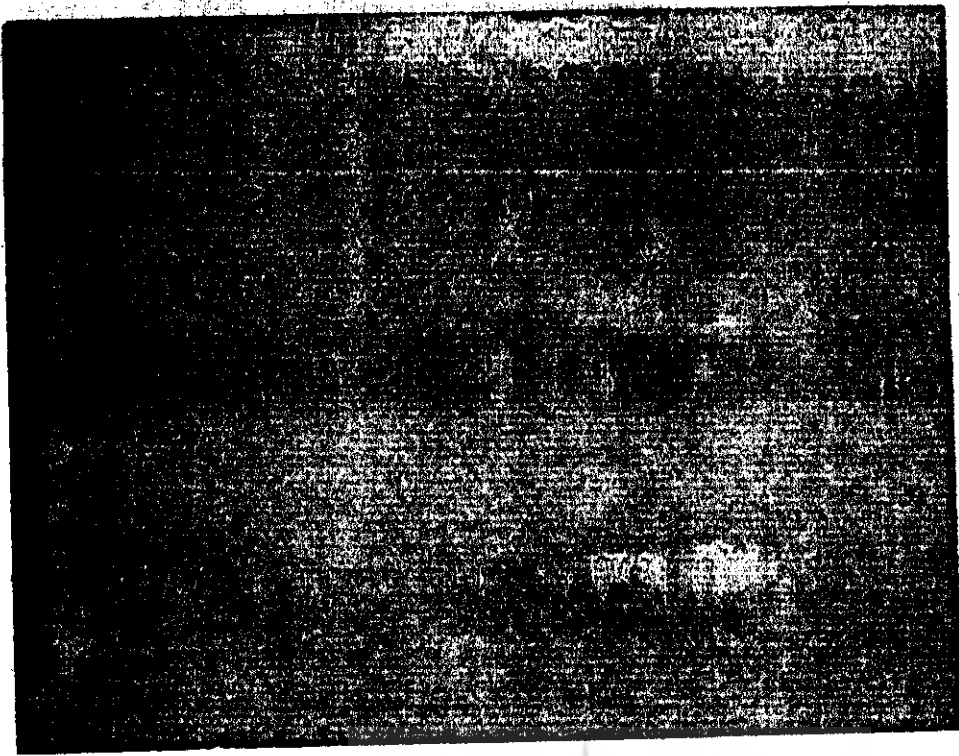
شماره ۶۴- فرم شاخهای قوچ سنگی که شبیه شاخهای قوچ طبیعی حجاری شده است.



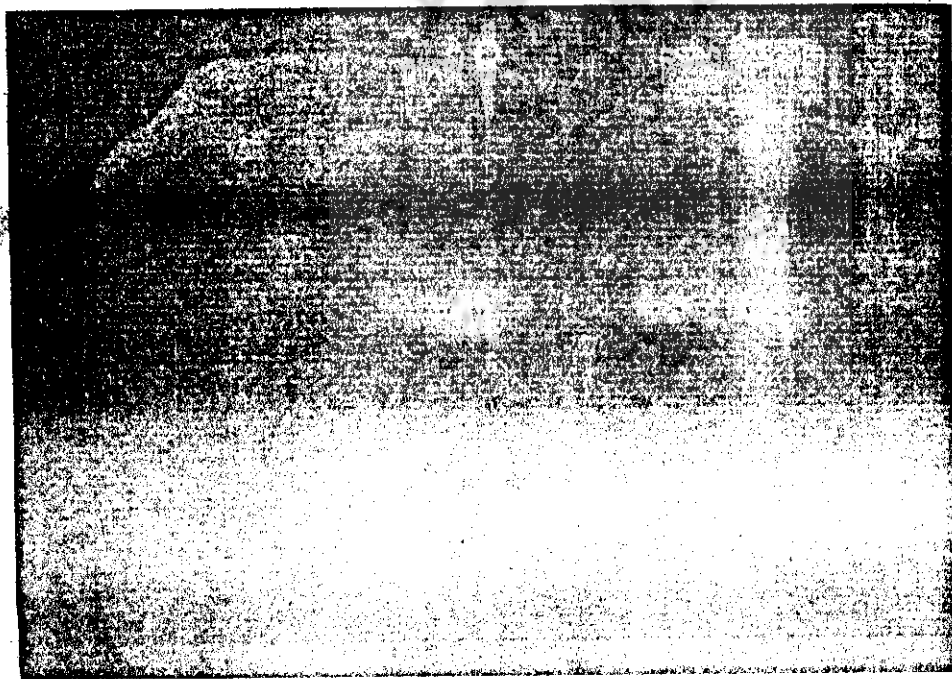
شماره ۶۵- فرم شاخهای قوچ سنگی که به دو طرف صورتش ۱/۵ دور برگشته حجاری گردیده است.



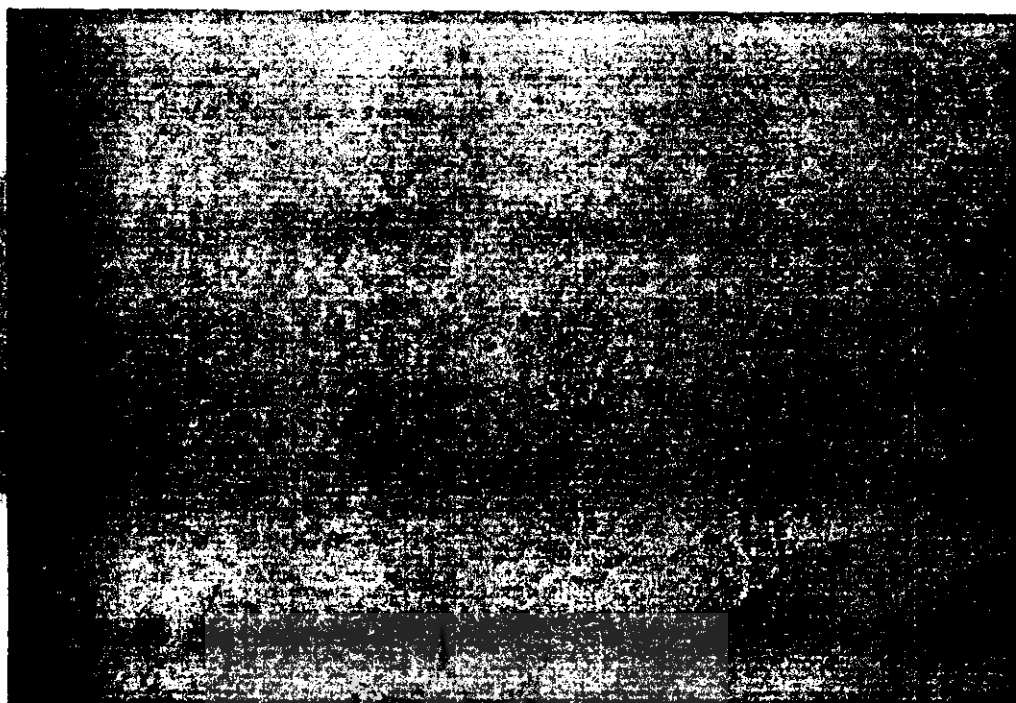
شماره ۶۶- فرم شاخهای قوچ سنگی که به دو طرف صورتش ۱/۵ دور برگشته حجاری گردیده است.



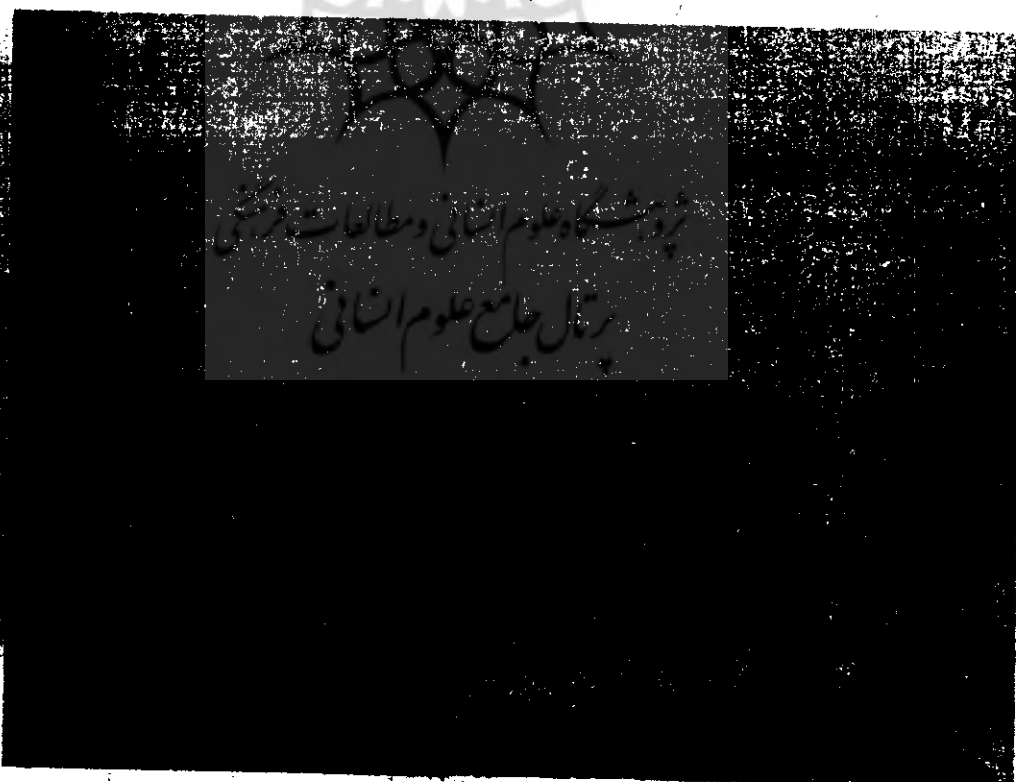
شماره ۶۷ - فرم شاخهای قوچ سنگی که به دو طرف صورتش ۲ دور برگشته حجاری شده است.



شماره ۶۸ - فرم شاخهای قوچ سنگی که به دو طرف صورتش ۲ دور برگشته حجاری شده است.



شماره ۶۹ - فرم شاخای قوچ سنگی که بصورت حلزونی با خط نرم به دور صورت برگشته است.



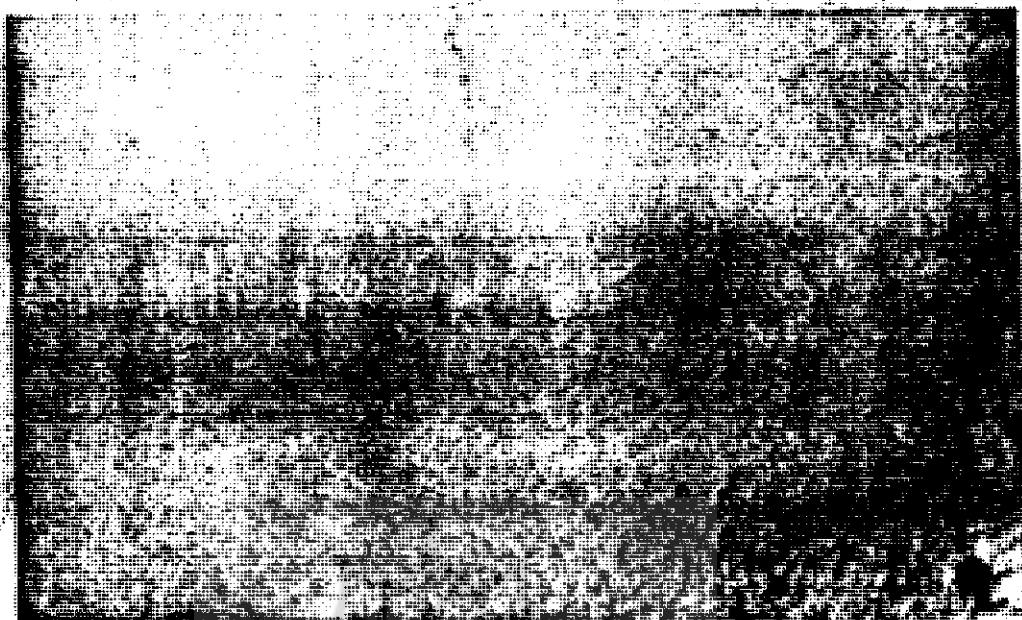
شماره ۷۰ - فرم شاخهای قوچ سنگی که بصورت منحنی شکسته به دور صورت برگشته است.



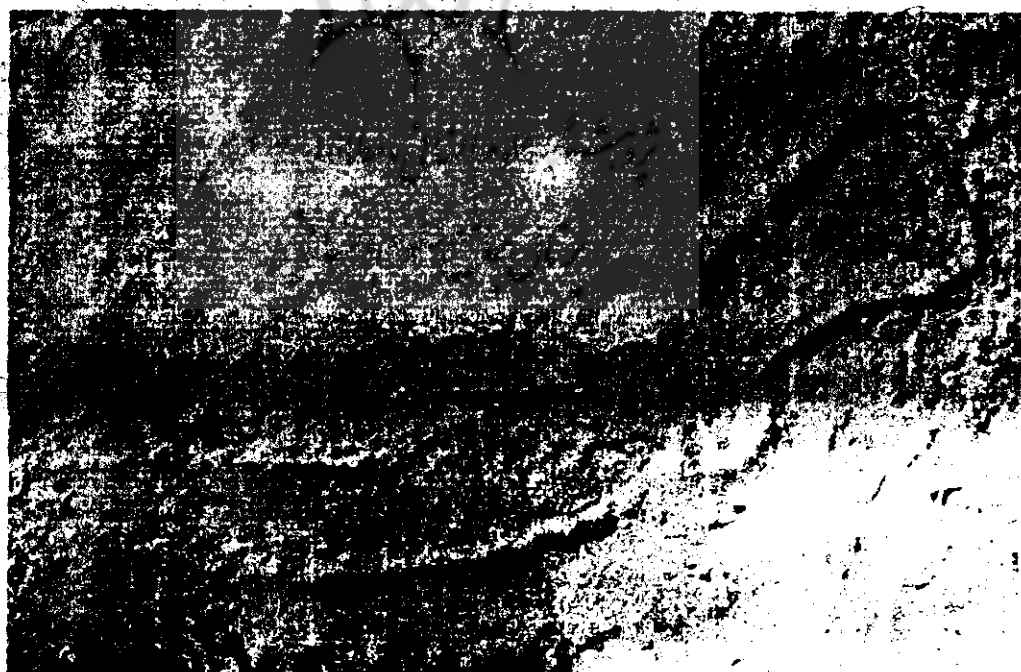
شماره ۷۱- چهره قوچ سنگی که دهان
آن بصورت خط افقی و چشمهایش بصورت
دایره کار شده است.



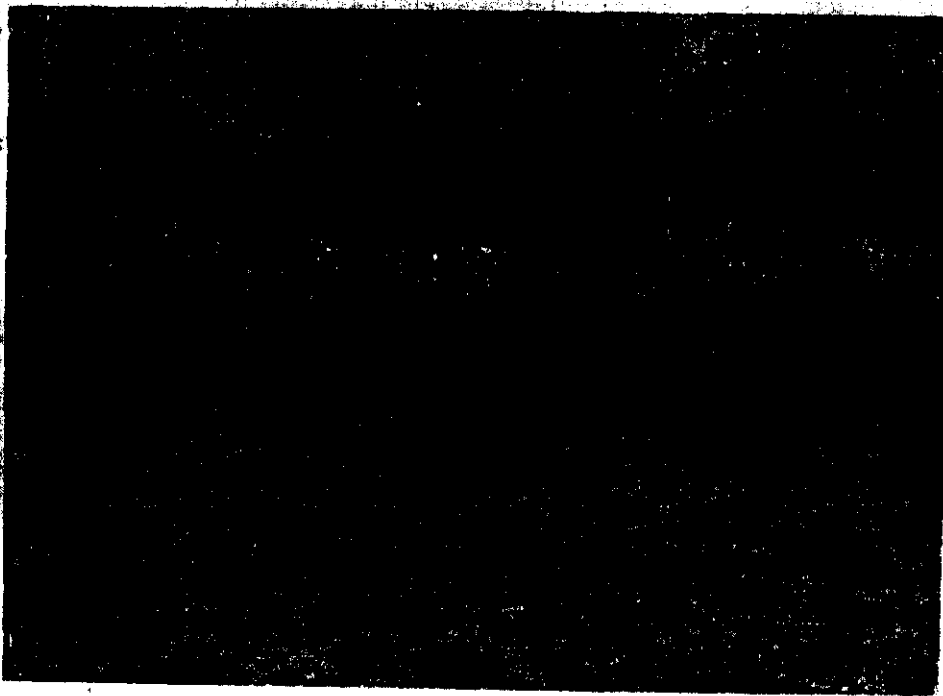
شماره ۷۲- چهره قوچ سنگی که دهان آن بصورت
خطی افقی و چشمهایش بصورت دایره کار شده است



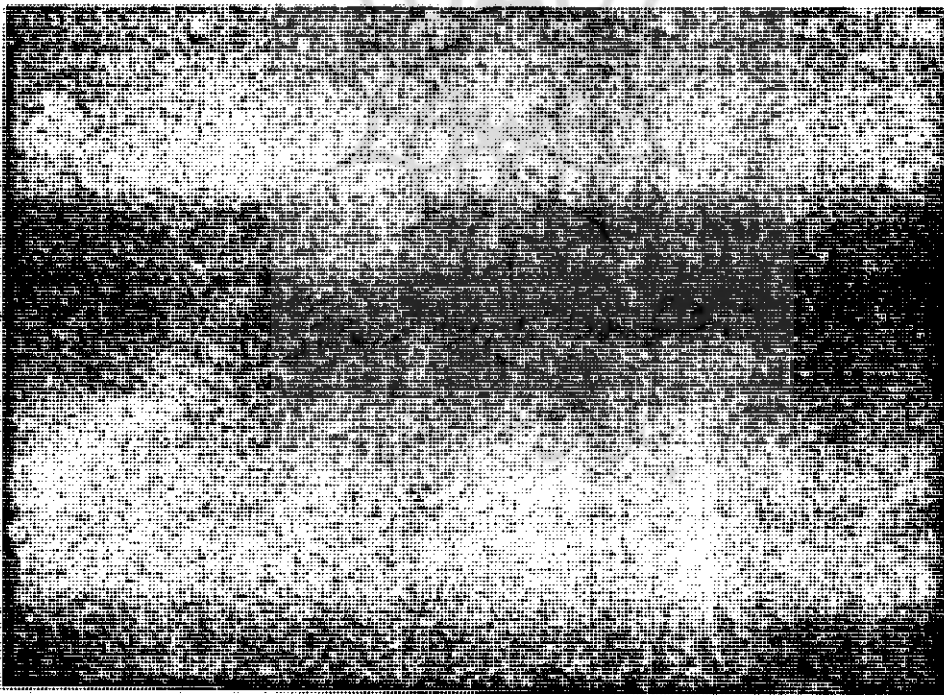
شماره ۷۳- شكال خنجرى كه در روى تنه قوچها و شيرهاى سنگى حجارى گرديده‌اند.



شماره ۷۴- شكل خنجرى كه در روى تنه قوچها و شيرهاى سنگى حجارى گرديده‌اند.



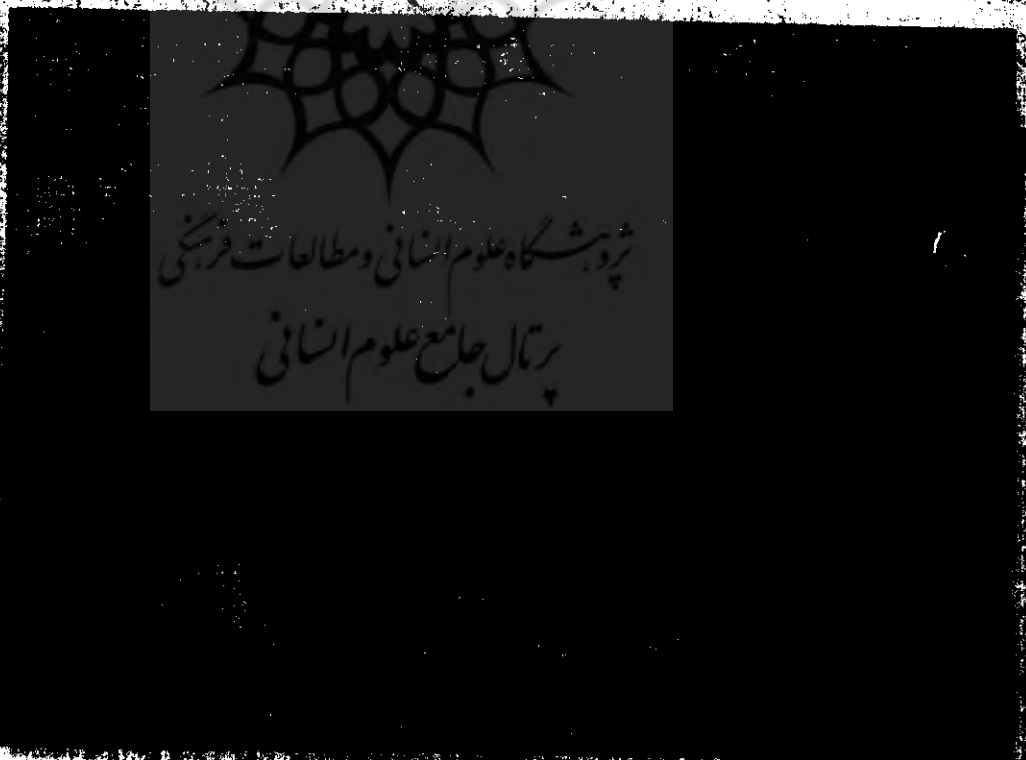
شماره ۷۵ - وسیله جنگی قهرمان شهید که هنرمندان بومی مجسم می کردند.



شماره ۷۶ - وسیله جنگی قهرمان شهید که هنرمندان بومی مجسم می کردند.



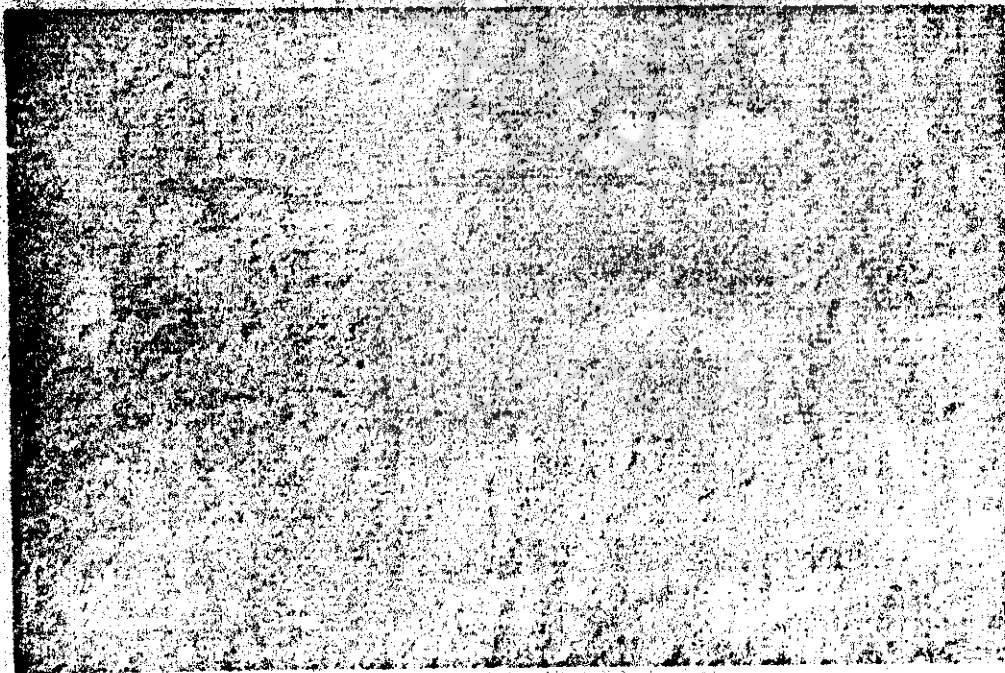
شماره ۷۷ - شکل خنجر نشان دهنده وسیله جنگی بهرامان شهید.



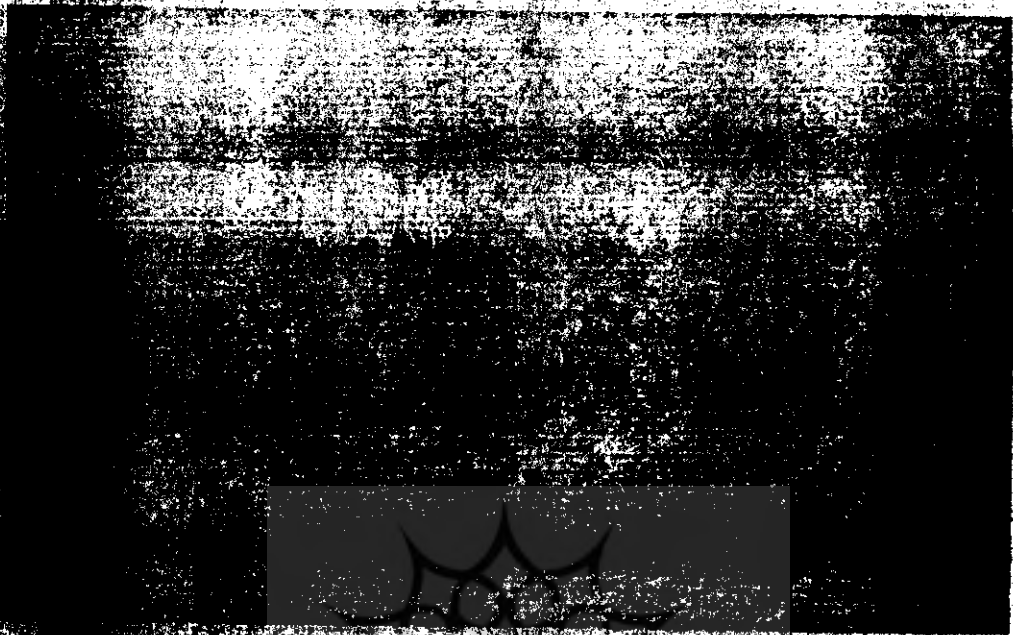
شکل ۷۸ - شکل شمشیر نشان دهنده وسیله جنگی بهرامان شهید.



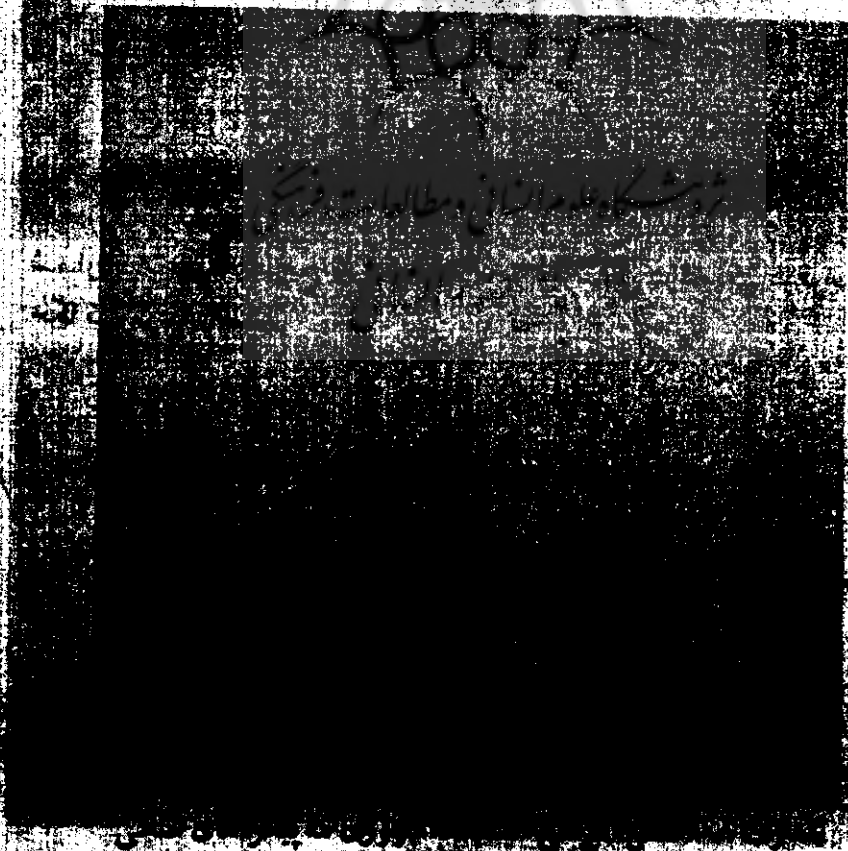
شکل ۷۹- شکل حیوانات درنده که در روی تنه پیکرهای سنگی حکاکی می گردیدند.



شکل ۸۰- شکل شیر با دهان باز حالت خشم بخود گرفته است



شکل بزکوهی که در تنه قوچهای سنگی حکاکی شده و تبدیل شمار به حساب می آید

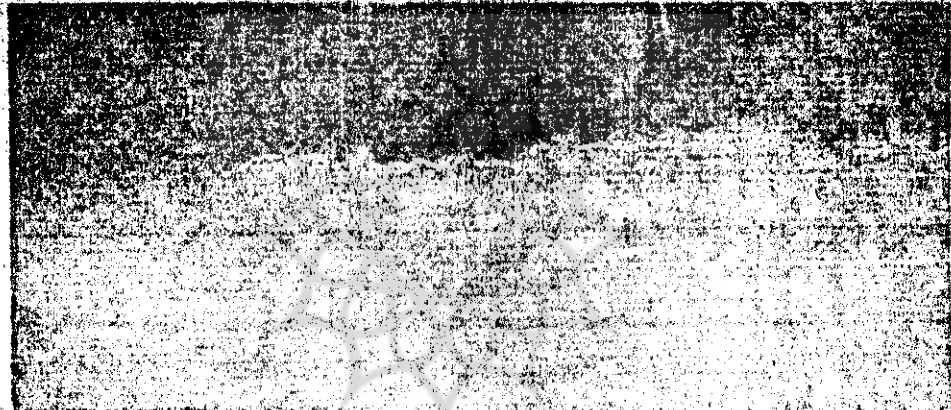


حکاکی گنده است

تاریخ



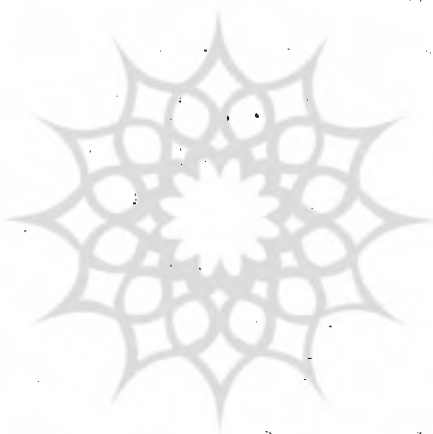
شماره ۸۳- نام فهرمان شهید که در روی تنه پیکرما بنام نازاقا حکاکی گشته است.



شماره ۸۴- نام و تاریخ فهرمان شهید بنام سادان قلی در تنه یکی از فرجهای سنگی حکاکی نگردیده است.



۸۵- نوشتههایی به زبان‌های عربی در روی تنه پیکرهای حکاکی می شدند.



ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

علاقه به سمبل‌سازی در تمام دورانها مورد توجه انسان بوده است در عصر ما نیز این نکته همچنان مورد توجه است. مجسمه و پیکره‌های سمبلیک که در روی قبرهای جوانان و پیران در آذربایجان و جاهای دیگر ایران موجود است، به همین منظور ساخته شده‌اند همه این سمبل‌ها اسناد تاریخی هستند و به نوبه خود نوع تفکر، سنن فرهنگی، اعتقادی و رزمی و بومی را نشان می‌دهند که بصورت قوچ و شیر ساخته شده‌اند، و یا سمبلهای

دیگری مانند خنجر، شمشیر، گرز، عصا، حیوانات و غیره که در روی تهِ پیکره‌ها حجاری شده‌اند، از زندگی و سرگذشت قهرمانان و سرشناسان این دیار سخن می‌گویند. انتخاب قوچ، بعنوان سمبول مبارزه و جنگجویی بوده که در روی قبرهای قهرمانان و جنگجویان بوی کار می‌گذاشتند.

شیرهای سنگی نشان دهنده شجاعت، مقاومت و شهامت جوانان است، که بصورت سنگ قبر شهدای جنگ کار گذاشته‌اند. ابزار جنگی نیز نشان دهنده وسایل جنگی آن دوره بوده، و سمبل‌های دیگر که در روی تهِ پیکره‌ها حجاری شده‌اند از قبیل بزکوهی بعنوان سمبل شکار، تار برای موسیقیدانان محلی «عاشق‌ها» بکار رفته است.

بطور کلی فرم مجسمه‌ها بترتیبی انتخاب شده‌اند تا با فرم مکعب مستطیلی قبرها هماهنگ باشند. بهمین منظور فرم کلی اکثر مجسمه‌ها (خواه قوچ‌های سنگی یا شیرها) بصورت مکعب مستطیل است. در مجسمه‌های قوچ مهمترین و جالب‌ترین قسمت آنها کله قوچ است. فرمهای مدور شاخ قوچ بصورت فرم حلزونی طراحی گردیده و با مهارت زیاد حجاری شده است. با مقایسه مجسمه‌های قوچ سنگی و شیر سنگی، ملاحظه می‌کنیم که سنگ تراشان در طراحی قوچهای موفق‌تر بوده‌اند. علت اینست که در آن منطقه قوچ یافت می‌شود، در حالیکه شیر در منطقه دیده نشده است، و هنرمندان با تکیه به تصورات خود شکل آنها را مجسم کرده‌اند.

هنرمند بومی در حقیقت به فرم طبیعی قوچ یا شیر توجه نمی‌کرد، بلکه سنگ را بصورتی تجسم و طراحی مینمود تا شجاعت و قدرت قهرمان شهید را بیاد اندازد، و سنگ را با تصورات ذهنی وحسی خود بشکل شیر یا قوچ بطور ساده و بفرم هندسی مجسم می‌کرد و آنرا می‌تراشید. شاید هم و اگر این هنرمندان، پیکره‌های سنگی را بشکل واقعی و طبیعی شیر یا قوچ می‌ساختند، نمی‌توانستند گویای چنین سمبلهایش از قدرت و شهامت باشند.

نکته دیگری که همواره نظر ما را بخود مشغول داشته، اینست که آیا این مجسمه‌ها و این پیکره‌ها از هنرهای قبلی که احتمالاً در این مناطق وجود داشته است الهام گرفته‌اند یا خیر؟ شاید در این مناطق تمدن‌های دیگری با آثار هنری مربوط به خود وجود داشته که اکنون در دل خاک نهفته‌اند. این نکته محتاج به بررسی جامع‌تری است و به کاوشهای باستانشناسی احتیاج دارد.

در پایان باید اشاره نمایم که گرچه برای تهیه مدارک این پایان نامه زحماتی زیاد متحمل گردیده‌ایم باید اعتراف نمود که هنوز در کار تحقیق آنطور که باید و شاید موفق نشده‌ایم لازمه موفقیت، تحقیقی جامع و کامل است که باید از جهات مختلف غنی و بی‌عیب باشد. در نظر داریم در آتیه انشاء الله این تحقیق را پیگیری کنیم. و برای موفقیت دست خود را بسوی صاحب نظران دراز می‌کنیم تا ما را با راهنمایی‌های خودشان هدایت نمایند.

۸- منابع و ماخذ

۱- کتاب انسان و سمبلیهایش «اثر» کوستا و یونگ»

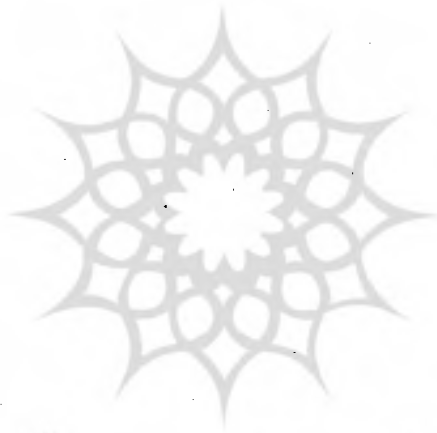
۲- کاتالوک فالچه های شیری فارس

۳- عروج انسان «نوشته برونوفسکی»

۴- تاریخ تمدن «ویل دورانت»

۶- معنی هنر «هربرت رید»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی